

همراه گرامی

شبکه روستایی ایران «روستانت» در راستای حمایت از توسعه روستایی در کشور سرویس‌های متعددی را در فضای مجازی اینترنت راه‌اندازی نموده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

کتابی که نسخه الکترونیک آن هم‌اکنون در اختیار شما قرار گرفته است یکی از کتب موجود در «کتابخانه الکترونیکی روستایی» است که شما با مطالعه و پذیرش موارد زیر امکان بهره‌برداری از آن را خواهید داشت:

- ۱- امتیاز این کتاب متعلق به سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور است. این سازمان در راستای اهداف خود اقدام به تهیه این کتاب نموده است و آن را به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.
- ۲- این کتاب و نیز سایر کتب حوزه روستایی این سازمان قبلاً در قالب تفاهم نامه‌ای توسط این شبکه به صورت لوح فشرده منتشر گردیده است و این شبکه مجوز نشر غیرتجاری این کتب را از این سازمان دریافت نموده است.
- ۳- این کتاب صرفاً جهت مطالعه و انجام امور پژوهشی در اختیار شما قرار گرفته است و در راستای حفظ حقوق مالکیت مادی و معنوی، هرگونه فعالیت تجاری با این کتاب ممنوع است.

عناوین کتب موجود در کتابخانه الکترونیکی شبکه روستایی ایران:

- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت تاسیسات خدمات روستایی
- ❖ آشنایی با نحوه تهیه برنامه پنج‌ساله دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با توسعه اقتصاد روستایی، ایجاد اشتغال و توسعه صنایع دستی
- ❖ آشنایی با اصول و مبانی محیط زیست
- ❖ آشنایی با اصول کامپیوتر
- ❖ مدیریت و سامان‌دهی بافت‌های فرسوده روستایی
- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت فضای سبز و فضاهای چند منظوره روستایی
- ❖ محیط زیست روستا (مدیریت مواد زائد، فضای سبز روستا و...)
- ❖ اصول انبارداری

- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت تاسیسات خدمات روستایی
- ❖ آشنایی با طرح‌های هادی و کنترل و نظارت بر ساخت و ساز روستایی
- ❖ آشنایی با حفظ و بهسازی میراث فرهنگی بافت‌های تاریخی
- ❖ آشنایی با وظایف، تشکیلات و جایگاه دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با سازمان‌های مرتبط با امور دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با طرح هادی روستایی
- ❖ آشنایی با برنامه ریزی روستایی
- ❖ راهنمای جامع مدیریت روستایی
- ❖ منابع درآمدی دهیاری‌ها
- ❖ دستورالعمل‌ها و قوانین دهیاری‌ها
- ❖ اصول و مبانی بهداشت روستایی
- ❖ آشنایی با برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی روستا
- ❖ مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی
- ❖ برنامه‌ریزی و کنترل پروژه‌های روستایی
- ❖ قوانین مالی و معاملاتی دهیاری‌ها
- ❖ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا
- ❖ فضای سبز روستایی
- ❖ مدیریت توسعه زیرساخت‌های خدماتی روستایی
- ❖ منابع مالی و درآمدی دهیاری‌ها
- ❖ مفاهیم و مبانی صنایع روستایی
- ❖ مدیریت روستایی در ایران
- ❖ برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران
- ❖ بودجه نویسی و بودجه ریزی روستایی
- ❖ بهسازی طبیعت و حفاظت از محیط زیست روستایی
- ❖ منابع انسانی و قوانین استخدامی
- ❖ توسعه فرهنگی و اجتماعی روستا
- ❖ آشنایی با طرح هادی روستایی
- ❖ آشنایی دهیاران با هدفمندسازی یارانه‌ها
- ❖ آشنایی با اصلاح الگوی مصرف در روستا
- ❖ آنچه یک دهیار باید بداند

- ❖ آشنایی با قوانین و مقررات کار و تامین اجتماعی
- ❖ آشنایی با صدور پروانه ساختمان و هدایت ساخت و ساز در روستا
- ❖ مدیریت مواد زائد روستایی
- ❖ اصول و مفاهیم مذاکره و ارتباطات در مدیریت روستایی
- ❖ حسابداری، حسابرسي و امور مالی دهیاری‌ها
- ❖ کارآفرینی روستایی
- ❖ مدیریت اقتصادی روستا
- ❖ مدیریت بحران روستایی
- ❖ مشارکت و ارتباط متقابل دهیار، شورا و دولت
- ❖ مقدمه‌ای بر مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری
- ❖ منابع مالی و اشتغال روستایی
- ❖ تجزیه و تحلیل مشاغل و استانداردهای آموزشی
- ❖

برای استفاده از خدمات و سرویس‌های متعدد «شبکه روستایی ایران» می‌توانید روی عنوان هر یک کلیک کنید:

سایت افبار و اطلاعات روستاها ➕	آلبوم تصاویر روستایی ➕	آگهی محصولات روستایی ➕
سرویس پیامک روستایی ➕	بانک اطلاعات روستاها ➕	دانشنامه روستایی ➕
نامه رسان روستایی ➕	کتابخانه الکترونیکی روستایی ➕	اطلس و نقشه‌های روستایی ➕
اوقات شرعی روستاها ➕	اطلاعات استان‌ها ➕	مجلات روستایی ➕
هواشناسی روستایی ➕	مستجوگر کتاب روستایی ➕	فانهای قرآن روستایی ➕
گردشگری روستایی ➕	نرم‌افزار مسابرداری ➕	امور دهیاری‌ها ➕
وبلاگ‌های روستایی ➕	اطلاعات فرهیفتگان روستاها ➕	مقالات موزه روستایی ➕
فروشگاه اینترنتی ➕	صدای مشاور روستایی ➕	قیمت نهاده‌های روستایی ➕
بانک غذاهای مملی ➕	بانک رگوردهای روستایی ➕	قوانین و مقررات عمومی ➕

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مفاهیم و مبانی صنایع روستایی

از سری منابع آموزشی دهیاری ها

تهیه و تنظیم :

مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی
سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور



مفاهیم و مبانی صنایع روستایی

کارفرما: معاونت آموزشی پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی

تهیه و تدوین: دفتر امور روستایی استانداری بوشهر

مؤلف: علی حیدر انصاری

سرشناسه	: ۱۳۵۵-انصاری، علی حیدر،
عنوان و نام پدیدآور	: مفاهیم و مبانی صنایع روستایی / مولف علی حیدر انصاری ؛ کارفرما معاونت آموزشی پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی ؛ تهیه و تدوین دفتر امور روستایی استانداری بوشهر.
مشخصات نشر	: ۱۳۹۱. تهران : سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور: بنیاد خواجه نصیر طوسی،
مشخصات ظاهری	: : جدول، نمودار. ۸۷ص.
شابک	: ۲-۷۸-۷۰۱۲-۹۶۴-۹۷۸: ۳۱۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه : ص. ۸۴.
موضوع	: صنایع روستایی -- ایران
شناسه افزوده	: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور. پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی. معاونت آموزشی
شناسه افزوده	: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور
شناسه افزوده	: استانداری بوشهر. دفتر امور روستایی
شناسه افزوده	: بنیاد خواجه نصیر طوسی
رده بندی کنگره	: HC۴۷۳ ۱۳۹۱ م۷الف /
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۳۳۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۳۲۱۳۵



عنوان کتاب: مفاهیم و مبانی صنایع روستایی

مولف: علی حیدر انصاری

کارفرما: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی

مجری: استانداری بوشهر - دفتر امور روستایی

ناشر: انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور - بنیاد خواجه نصیر طوسی

مدیر پروژه: حسین رجب صلاحی - حسین عالی نژاد

ناظر پروژه: سید عارف موسوی - یوسف جاهدی - زهرا جان دانه

نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۱

قیمت: ۳۱۰۰۰ ریال

شابک: ۲-۷۸-۷۰۱۲-۹۶۴-۹۷۸

فهرست

۱	مقدمه.....
۳	کلیات و مفاهیم.....
۴	تعاریف و مفاهیم صنایع روستایی.....
۶	نظریات و تحلیل های صنعتی کردن روستاها.....
۶	نظریه رخنه به پایین صنعتی یا منطق لوییس.....
۷	نظریه پیوند سیدمن و دارکو.....
۸	استراتژی های توسعه صنعتی.....
۱۱	رویکردهای صنعتی شدن.....
۱۳	طبقه بندی صنایع روستایی.....
۱۴	انواع صنایع روستایی.....
۱۵	صنایع کارگاهی.....
۱۵	صنایع کوچک.....
۱۶	صنایع دستی.....
۱۷	تعریف صنایع دستی و سنتی.....
۱۷	انواع صنایع دستی.....
۱۹	اهمیت صنایع دستی.....
۲۱	بهینه سازی روش های حمایت از صنایع دستی.....
۲۲	ایجاد شرایط مناسب در بهینه سازی بازارهای صنایع دستی و نمایشگاهها.....
۲۴	صنایع روستایی و توسعه روستایی.....
۲۵	نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی.....
۲۵	مقایسه تطبیقی صنایع دستی - صنایع کارگاهی و صنایع کوچک روستایی.....
۲۷	مدیریت اقتصادی روستا.....
۲۸	افقها و چشم اندازهای مبتنی بر سرمایه گذاری در ایجاد فرصت های شغلی روستا.....
۲۹	جریان تشکیل سرمایه و محدودیتها.....
۳۰	اتخاذ سیاستهای جدید.....
۳۱	نقش سرمایه گذاری در توسعه مناطق روستایی.....

۳۲	نقش سرمایه گذاری و مدیریت در بهره برداری از منابع محلی
۳۳	مدیریت و نقش شوراهای اسلامی در جذب و هدایت منابع اقتصادی
۳۴	دهیاری و اهمیت آشنایی با مدیریت اقتصاد روستا
۳۵	نقش مدیریت اقتصادی تعاونی‌های روستایی در تأمین منابع مالی و توسعه اقتصاد روستا
۳۷	الزامات برنامه ریزی و مدیریت برای صنعت روستا
۳۹	تکنولوژی مناسب کدام است؟
۴۱	رهیافته‌ها و اتخاذ سیاستهای لازم برای توسعه اقتصادی روستاها با تکیه بر صنایع روستایی
۴۵	نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی
۴۶	نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی
۴۸	الزامات برنامه‌ریزی و مدیریت برای صنعت روستا
۴۹	تکنولوژی مناسب کدام است؟
۵۱	چرا برنامه‌ریزی و مدیریت بر صنایع دستی و روستایی از اهمیت و حساسیت بیشتر برخوردار است
۵۲	رهیافته‌ها و اتخاذ سیاستهای لازم برای توسعه اقتصادی روستاها با تکیه بر صنایع روستایی
۵۵	نقش و جایگاه بخش کشاورزی در توسعه صنایع روستایی
۵۶	کشاورزی و صنایع روستایی
۵۶	راههای افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی را در چند مورد می‌توان خلاصه کرد
۵۸	صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی
۶۲	نواحی صنعتی
۶۳	ویژگی‌های ناحیه صنعتی روستایی
۶۵	دستگاه‌های متولی صنایع روستایی
۶۶	دستگاه‌های متولی صنایع روستایی
۶۷	وزارت جهاد کشاورزی
۷۰	وزارت صنایع و معادن
۷۲	موانع، مشکلات، تنگناهای و راهکارهای توسعه صنایع روستایی
۷۳	مشکلات و موانع
۷۵	نقش دهیاری در ایجاد، حفظ و توسعه صنایع روستایی
۷۹	منابع

مقدمه

در حال حاضر در کشورهای جهان سوم اقدامات گسترده‌ای با هزینه‌های گزاف، صرف خدمات رسانی به‌منظور جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها صورت می‌پذیرد. برای مثال در کشور ایران، خدماتی نظیر برق رسانی به روستاها، ایجاد راه‌های روستایی، تامین آب آشامیدنی روستاها، احداث مدارس روستایی، ایجاد و توسعه صنایع روستایی و سایر خدمات زیربنایی در روستاها دنبال می‌شود. انجام خدمات فوق‌الذکر و سایر اقدامات دولت در خصوص عمران روستاها که هدف عمده آن جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، معکوس نمودن روند مهاجرت و در نهایت حفظ روستاهاست، سوالات مختلفی را در ذهن تداعی می‌کند. ابهاماتی نظیر: آیا روند مهاجرت از روستاها به شهر را می‌توان معکوس و یا متوقف نمود؟ آیا مهاجرت از شهر به روستا در صورت امکان، دارای توجیه اقتصادی است؟ آیا بینش ضد شهری در فرهنگ جامعه ما، تحلیلی واقعی و منطقی از پدیده شهرنشینی است؟ آیا سیاست ایجاد و گسترش صنایع کوچک کاربر در روستاها، قادر است تاثیر مناسبی در روند رو به‌تزايد مهاجرت‌های روستایی بگذارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، کدام بخش از صنایع بیشتر باید مورد تشویق قرار گیرد؟ مجموعه سوالات فوق‌الذکر، چارچوب و فرضیات این تحقیق را شکل داده است. تحقیق انجام شده، در سه فصل گردآوری شده است. فصل اول اختصاص به شهرنشینی و سیاست‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه دارد. در این فصل با توسل به آخرین برآوردهای سازمان ملل در زمینه شهرنشینی، مهاجرت‌های روستایی و استفاده از تئوری‌های اقتصاد شهری، ضرورت‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه مورد بحث قرار گرفته است. فصل دوم اختصاص به صنایع روستایی و نقش آن در ایجاد اشتغال در نقاط روستایی دارد. در این فصل صنایع روستایی در کشور ایران در مقایسه با صنایع روستایی در چند کشور آسیایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در فصل سوم تابع تولید در سه بخش عمده صنایع روستایی به‌منظور مشخص ساختن صنایع کاربر و سرمایه بر، برآورد گردیده است. این بررسی حاوی نتایج ارزنده‌ای است که می‌تواند راهگشای برنامه ریزان و سیاستگذاران توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم و بالاخص در کشور ایران قرار گیرد. برخی از این نتایج به‌قرار زیر است: شهرنشینی در فرآیند تکامل جوامع پدیده‌ای طبیعی، منطقی و اقتصادی است و از این رو سیاست

توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم را باید امری مرحله‌ای و از جهت اقتصادی ناپایدار دانست. سیاست توسعه روستایی با توجه به مشکلات شهرنشینی در کشورهای جهان سوم امری لازم است، ولی این سیاست به‌منظور جذب نیروهای کار مازاد بر فعالیتهای بخش کشاورزی در منطقه روستا تا رسیدن به مرحله ایجاد زمینه های جذب اشتغال مفید در شهرها توصیه می‌گردد. صنایع روستایی به‌عنوان ابزاری برای سیاست توسعه روستایی، قادر است ضمن تعدیل فرصتهای اشتغال در شهر و روستا، نقش تعیین کننده ای در کاهش مهاجرت‌های روستایی ایفا نماید. صنایع روستایی در کشور ایران از توجه کافی برخوردار نیست و اکثر موافقت‌های صنعتی در مناطقی که شدت شهرنشینی در آنها بیشتر است، صادر گردیده است. در صورت توجه بیشتر به این بخش، باید صنایع کاربرمورد گزینش قرارگیرد و موافقتها بیشتر در نقاط روستایی صادر گردد. صنایعی که از نظر کاربردی می‌باید مورد تشویق بیشتر قرار گیرد، به‌ترتیب صنایع نساجی، غذایی و کانی غیرفلزی است.

کلیات و مفاهیم

تعاریف و مفاهیم صنایع روستایی ۱:

امروزه واژه صنایع روستایی و صنعتی شدن روستاها، در ادبیات و برنامه ریزی توسعه در کشورهای مختلف دنیا از جمله کشورهای در حال توسعه، نظیر هندوستان، مصر، چین، مالزی و... از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد، هر کشوری نیز با توجه به تجربه خاص خود و سیاست ها و اهداف مورد نظر تعاریف متعددی از صنایع روستایی ارائه داده است، در برخی از کشورهای در حال توسعه تفکیک مقبولی از مفاهیم صنایع دستی روستایی و صنایع کوچک صورت پذیرفته است برای مثال در کشور فیلیپین مفهوم صنایع روستایی به صناعی اطلاق می شود که در آنها کمتر از ۱۰ نفر نیروی کار وجود داشته باشد و یا در ژاپن بین صنایع دستی و سایر صنایع کوچک تمایزی مشاهده نمی شود. گروهی از صاحب نظران صنایع روستایی را فعالیت غیر کشاورزی می دانند که در نواحی روستایی قرار دارند بر این اساس کلیه صنایع، صنایع کارگاهی، صنایع کوچک و فعالیت های خدماتی در حوزه ی صنایع روستایی قرار می گیرند. (دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۲۷).

البته گروهی نیز معتقدند «صنایع روستایی می بایست صنایع تبدیلی در راستای فعالیت های کشاورزی بوده و مکمل فرآورده های کشاورزی باشد»، بدین مفهوم که تولیدات کشاورزی را به کالاهای صنعتی تبدیل نموده و به عنوان محصول نهایی یا واسطه ای عرضه نمایند (مهدوی، ۱۳۷۷: ۱۹۶).

یکی از ساده ترین تعریف صنایع روستایی میزان کاربری و سرمایه برای واحد تولیدی می باشد در هندوستان بر این اساس صنایع روستایی صناعی تعریف می شود که در آن یک کارگر ماهر با مسئولیت خود به یک سری اقدامات اقتصادی می پردازد.

سازمان جهانی کار صنایع روستایی را واحدهای صنعتی می داند که در نواحی روستایی یا مراکز روستایی قرار دارند و عمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده می کنند بر این اساس پیوندهای بازاری آنها از نظر جغرافیایی محدود است. از مواد

خام یا تولیدات محلی (کشاورزی، جنگلی، معدنی) استفاده می کنند و تولیدات آنها به بازارهای محلی عرضه می شود اما ممکن است برای بازارهای ملی و بین المللی نیز تولید کنند.

در ایران نیز با توجه به اینکه متولّی خاصی برای صنایع روستایی وجود ندارد هر سازمان و دستگاهی با توجه به فعالیت ها و دیدگاههای خود صنایع روستایی را تعریف می کند. به عنوان مثال سازمان صنایع دستی ایران صنایع روستایی را کلید فعالیت های غیر زراعی تعریف می کند که در سطح مناطق روستا انجام می گیرد. وزارت صنایع که متولی رشد و توسعه صنعت در کشور است برای صنایع روستایی تعریف خاصی ارائه نمی دهد کامل ترین و جامع ترین تعریف صورت گرفته در این زمینه مربوط به وزارت جهاد کشاورزی می باشد که متولی اصلی صنعت در روستا می باشد. این دستگاه اجرایی:

صنایع روستایی را صنایع متناسب با، شرایط جمعیتی، تولیدی، اقلیمی، جغرافیایی، زیربنایی روستاها تعریف می کند که در قالب صنایع تبدیلی کوچک و دستی در مناطق روستایی قابلیت استقرار دارند و می توانند به عنوان مکمل فعالیت های کشاورزی، زمینه تبدیل و فرآوری محصولات کشاورزی را فراهم نمایند و علاوه بر آن به متنوع ساختن اقتصاد و منابع درآمدش کشاورزان و روستاییان کمک کنند. شرایط و امکاناتی را فراهم سازند تا زندگی در روستا در مقایسه با زندگی شهرها از مزیت نسبی برخوردار شود و اشتغال کامل برای روستاییان حاصل شود.

بر این اساس صنایع روستایی شامل صناعی است که از خصوصیات زیر برخوردار باشند:

- حتی المقدور تأمین کننده نیازهای کشاورزی و دامپروری و مکمل و پشتیبان آن بوده، متناسب با شرایط جغرافیائی هر منطقه در رشد کشاورزی و دامی باشند؛
- حتی المقدور مناسب با احتیاجات روستاییان بوده زمینه ساز خودکفایی اقتصادی و صنعتی کشور باشند؛
- از نظر فن آوری در سطحی باشند که در روستا قابل ایجاد و بهره برداری بوده به بالا رفتن دانش فنی روستاییان کمک نماید؛
- حتی المقدور سرویس نگهداری و تعمیر آنها در محل امکان پذیر باشد؛
- تأمین مواد اولیه و ابزار آلات آن حتی الامکان به ترتیب در محل یا در منطقه و یا در داخل کشور میسر باشد(خزایی قوژدی، ۱۳۷۶: ۱۰۳).

البته ویژگی های فوق برای صنایع روستایی به تنهایی نمی تواند امروزه مورد پذیرش باشد، زیرا صنایع روستایی باید دارای نوآوری، بهره بردار از فناوری جدید، قابل رقابت در بازارهای ملی و بین المللی، و دارای قدرت ارزآوری باشد تا بتواند موقعیت اقتصادی مناسبی را در مقطع جهانی شدن کارکردهای اقتصادی، کسب نماید، بنابراین باید به متنوع سازی فعالیت های صنعتی در نواحی روستایی مبادرت ورزید، زیرا در حال حاضر، کلیه فعالیت های تولیدی صنعتی که با استفاده از توان های محلی و ناحیه ای در محیط روستا استقرار می یابند، صنایع روستایی نامیده می شوند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۵).

نظریات و تحلیل های صنعتی کردن روستاها

در حوضه عمل صنعتی کردن روستاها، تحلیل ها و نظریات چندی عنوان شده است که از سوی جغرافی دانان و اقتصاد دانان مطرح گردیده است این نظریات تفاوت های قابل توجهی با هم دارند، که به شرح برخی از آنها در زیر می پردازیم:

نظریه رخنه به پایین صنعتی یا منطق لویس^۱

در این مدل، توصیفی تحلیلی از فرایند رشد با هدف صنعتی شدن تحت شرایط ساختاری (که حاکی از مازاد کار روستایی است)، ارائه می شود. همچنین این مدل کلیات منطق فرایندی را بیان می کند که به موجب آن انتظار می رود مزایای صنعتی شدن به سمت روستاییان فقیر به اصطلاح رخنه به پایین کند. گمان می رود که رشد صنعتی (در ابتدا) از روی عرضه بینهایت کشش دار نیروی کار از یک بخش روستایی با بهره وری پایین که در آن دست مزد ثابت هستند (و از طریق میانگین سطح مصرف جمعیت روستایی تعیین می شوند)، مشخص شود.

۱. Lewis

بنابراین فرض بر این است که تقویت سرمایه داری و گسترش صنعت در این بخش موجب اشتغال جامعه روستایی و فقیر می شود. بطور کلی در این فرایند، صنعتی شدن سرمایه داری موجب از بین رفتن فقر روستایی می شود (سایت، ۱۳۷۵: ۳۶).

نظریه پیوند سیدمن و دارکو^۱

کسانی چون سید من و دارکو استقرار صنایع جدید را راهبردی می دانند که در نهایت منافع آن به روستاها نیز منتقل می شود و یک سازمان سلسله مراتبی مکانی کارآمد را در کشور های در حال توسعه به وجود می آورد. به نظر آنها صنایع جدید، که هر کدام در یک یا چند مرحله تخصص پیدا می کنند، به پیدایش زنجیره ای از رابطه عرضه صنعتی داخلی و خارجی منجر می شود که آن را پیوند می نامند. صنایع فوق نتایج زیر را به دنبال دارد:

- در یک بخش کشاورزی در حال گسترش، برای مواد خام کشاورزی و مواد غذایی، بازاری داخلی ایجاد می کنند؛
- به تخصیص شدن مناطق داخلی و مبادلات ارزی کمک می کنند و همبستگی به کشور های پیشرفته می کاهند؛
- دست کم در پاره ای موارد، با تولید نهاده های کشاورزی مناسب، و افزایش ظرفیت تولید کشاورزی کمک چشمگیری می کنند؛
- مشاغل جدیدی برای نیروی مازاد و بیکار بخش کشاورزی ایجاد می کند؛
- موجب تحرک تولید کشاورزی می شوند و بدین ترتیب، تقاضای بیشتری برای تولیدات و خدمات صنعتی در مناطق روستایی ایجاد می کنند؛

۱. Seidman & Darkoh

بسیاری از نویسندگان مفهوم پیوند را در شکل پیری اندیشه های توسعه منطقه ای به کار گرفته اند. هیرشمن از استقرار مکان های صنعتی برنامه ریزی شده در منطقه به منظور گسترش آثار رو به بالای پیوند، در سلسله مراتب تولید (پیوند های پسین) و آثار رو به پایین (پیوند های پیشین)، به شدت دفاع می کند. میردال در مدل علیت انباشتی، پرو در قطب رشد و بالدوین^۱ در الگوی استاندارد صنعتی چنین اندیشه هایی را بیان کردند. بالدوین به درستی تاکید می کند که پیوند ها در برنامه ریزی، موضوعی فراموش شده اند و با قضاوت از روی خطی مشی های عملی به این نتیجه می رسیم که این نظر هنوز واقعیت دارد (مهندسان مشاور DHV از هلند: ۱۳۷۱، ۶۰-۵۹).

استراتژی های توسعه صنعتی

استراتژی صنعتی عبارت است از مجموعه ای از پیش ساخت های اقتصادی با اهداف بلند مدت، از قبیل اولویت های سرمایه گذاری و سیاست های اتخاذ شده حمایتی، که یک کشور ممکن است اختیار کند تا به وسیله ترغیب نوعی از ساختار صنعتی، احتمالاً مجموعه ای از اهداف ملی خود را به دست آورد. این تعریف در وهله اول، پیش از آنکه با انتخاب مناسب ترین شیوه تولید ارتباط داشته باشد، با اولویت های سرمایه گذاری ارتباط دارد و در وهله دوم، با توجه به اولویت های برنامه، میزان مشارکت هر یک از دو بخش خصوصی و دولتی، در برنامه طبق چارچوب خاصی تعیین شده است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

اگر استراتژی را روشی برای رسیدن به هدفی معین در نظر گرفت می توان استراتژی توسعه را روش هایی دانست که از طریق آن می توان به «هدف» یعنی توسعه اقتصادی نایل گردید. با عنایت به اینکه کشاورزی و صنعت دو فعالیت مهم در هر اقتصادی محسوب می شوند انتخاب راه مناسب در برخورد با این دو فعالیت از ارکان عمده

۱ . Baldwin

استراتژی توسعه است. در بسیاری از موارد انتخاب صنعت یا کشاورزی در قالب عنوان کلی تری به نام استراتژی «رشد متعادل» و استراتژی «رشد نامتعادل» طرح شده است (روزبهان، ۱۳۷۶: ۱۹۸).

نظریه عمومی محققان اقتصادی در باب توسعه در اوایل دهه ۵۰ عمدتاً بر رشد متعادل استوار بود. از جمله معروف ترین افرادی که این نظریه را طراحی نمودند می توان به «نورکز»^۱ و «روزن اشتاین»^۲ اشاره نمود. اساس این نظریه بر دو محور اساسی متمرکز است:

۱. اعتقاد به وابستگی متقابل بخش ها و زیر بخش ها در ایجاد بازار برای یکدیگر

۲. اعتقاد به وجود صرفه جویی های خارجی حاصل از ایجاد یا تقویت یک فعالیت اقتصادی

در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، سیاست های کاربردی در رشد متوازن اقتصادی مورد انتقاد قرار گرفت. به نظر منتقدان، اجرای استراتژی رشد متعادل برای کشور های در حال توسعه زیان بار است زیرا پراکنده ساختن نیرو های کار متخصص و سرمایه محدود باعث کاهش بازدهی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی است. لذا این گروه جهت جبران خسارت ناشی از اتخاذ استراتژی رشد متعادل، استراتژی رشد نامتعادل را پیشنهاد نمودند. رشد نامتعادل به معنای دقیق کلمه زمانی رخ می دهد که: بعضی از بخش های اقتصادی، نقش رهبری را در فرایند توسعه بر عهده بگیرند و در پیشاپیش سایر بخش ها و به سوی توسعه گام بردارند (جیروند، ۱۳۷۵: ۱۶۵)، منظور از رشد نامتعادل در این بینش اولویت دادن و انتخاب بخشی از اقتصاد به عنوان بخش پیشتاز و تمرکز سرمایه در آن است. به اعتقاد هیرشمن در جهت انتخاب یک بخش پیشتاز باید به سوی طرح های استراتژی حرکت نمود. از نظر وی این طرح ها دارای بیشترین پیوند های بالا دست و پایین دست هستند. به اعتقاد هیرشمن صنعت به دلیل داشتن چنین پیوند هایی در مقایسه با بخش کشاورزی میتواند به عنوان بخش پیشتاز معرفی شود (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۲۷-۲۶).

حال این سوال پیش می آید جهت توسعه صنایع روستایی در کشورمان بهترین استراتژی کدامند؟

۱. Nurkse

۲. Rosenstein

طبیعتاً وضع مطلوب زمانی تحقق خواهد پیوست که با نگاهی به وضع موجود توانمندی ها و استعداد های مناطق روستایی، مشکلات فعلی، نقاط قوت و ضعف و قوانین و مقررات موجود بتوان در امر اجرای حمایت ها و سیاست گذاری ها، نهایتاً یک برنامه ریز بینداری در خصوص صنایع روستایی را تصور نماییم که در سایه آن حتی المقدور فعالیت های صنعتی متناسب با شرایط خاص کشور و منطقه ای و ناحیه ای را با الگوی ویژه، استقرار داده تا هدف تقویت، تثبیت و توسعه جوامع روستایی را به عمل بپوشانیم.

بنابراین اولین و مهمترین قدم در این مسیر، تدوین استراتژی صنعتی می باشد که لزوماً این استراتژی باید همه جانبه بوده و تمام زوایا را شامل شود تا هر حرکتی که در راستای توسعه روستایی صورت پذیرد در چارچوب این استراتژی شکل گیرد.

از جمله این موارد:

۱. چگونگی سیاست گذاری اشتغال که این سیاست گذاری باید به گونه ای باشد تا با جذب نیروی کار به سمت صنایع لطمه ای به تولیدات کشاورزی وارد نشده و با در نظر گرفتن قانون بازدهی نزولی در کشاورزی طوری برنامه ریزی شود تا فقط نیروی مازاد بخش کشاورزی را جذب کنیم. بنابراین توسعه صنایع روستایی بایستی مکمل و در خدمت جذب نیروی انسانی مازاد کشاورزی، بر اساس قانون فوق الذکر بوده تا پویایی و خلق فرصت های جدید را به دنبال داشته باشد.

۲. در این استراتژی جایگاه صنایع روستایی بایستی حتماً در درون زنجیره تولید دیده شود نه اینکه به صورت مجرد به آن نگرست. بدین ترتیب بطور طبیعی و از الزامات آن، پیوند تعریف شده صنایع کوچک و روستایی با صنایع بزرگ و ساماندهی این پیوند می باشد که در آن صورت نقش تعیین کننده ای در رشد و توسعه صنعتی و عدالت اجتماعی داشته و از طرف دیگر ارتقاء فرهنگ و تعالی انسان ها در مناطق مختلف را به دنبال خواهد داشت.

۳. نکته دیگر، ساماندهی تشکیلات حمایتی تولیدات و محصولات صنایع روستایی از جمله بازاریابی و فروش است که تولید کننده روستایی نبایستی دغدغه بازاریابی و فروش داشته باشد و سیستم طراحی شده بایستی به گونه ای باشد که صنعت گر روستایی تنها به فکر تولید بوده و تمرکز قوای فکری و

ابتکار خود را برای بهره‌وری روش‌های کار و تولید قرار دهد. از طرف دیگر تشکیلات اداری و حمایت‌کننده این واحدها با قرار گرفتن در زنجیره تولید ذکر شده مطرح و زمینه حضور در بازارهای منطقه‌ای و جهانی را پی‌ریزی خواهند نمود زیرا نایبستی انتظار داشت کارگاه‌های کوچک، هم‌خود تولیدکننده و هم‌بازاریاب و هم‌وارد شونده به بازار جهانی شوند.

بطور کلی استراتژی صنعتی کردن روستا با ید حاوی کوشش‌هایی در جهت تجدید حیات صنایع سنتی روستایی باشد، استراتژی صنعتی کردن روستا همچنین شامل هر نوع کالایی است که بتواند مایحتاج مردم روستا را تامین کند.

رویکردهای صنعتی شدن:

در شناخت استراتژی‌های توسعه‌مبنا بر آن است که چهار استراتژی برای توسعه قابل‌شناسایی است که بی‌تردید تمامی ممالک سعی در کاربرد یکی از آنها داشته‌اند (مدنی، ۱۳۶۷: ۱۷).

- درونزای متکی به کشاورزی
- ارجحیت صنایع سنگین
- جایگزینی واردات
- گسترش صادرات

همچنین با توجه به استراتژی‌های توسعه صنعتی - سه رویکرد در صنعتی‌شدن کشورهای در حال توسعه قابل‌شناسایی است (گریفین، ۱۳۷۵: ۱۶۵).

اولین رویکرد متمرکز به سیاست‌های جایگزین واردات کالاهای مصرفی است. از وجوه مشخص این رویکرد می‌توان به تسلط بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی - حمایت از صنایع داخلی - تعرفه‌های بالا و تامین اعتبار نسبتاً ارزان را نام برد. سازمان ملل متحد از سیاست تعریف زیر را ارائه نموده است:

افزایش تولید داخلی یک کالای معین به نحوی که تولید آن در داخل کشور با نرخی سریعتر از واردات آن محصول افزایش یابد تا اینکه به تدریج واردات آن محصول نسبت کمتری از عرضه داخلی را تشکیل دهد(اسدی، ۱۳۷۵: ۸۱).

دومین رویکرد مبتنی بر ارتقای بخش کالاهای سرمایه‌ای (صنایع سنگین)، این رویکرد دارای تولید ماقبل از تقاضا بدلیل عدم برخورداری از امتیاز بازار داخلی آماده برای جذب تولیدات صنعتی است لذا مشارکت و حضور فعال بخش خصوصی، دولت نقش کاملاً هدایت‌کننده را داراست. نیروی محرک و رشد صنعت تحت این رویکرد توسط بنگاه‌های دولتی تامین می‌شود. بدین منظور برای جلوگیری از زیاد شدن انحصار در بخش خصوصی ف نظارت‌های قیمتی بخصوص برای کالاهای اساسی توسط دولت اعمال می‌شود. هدف از ارائه این رویکرد ایجاد کالاهای سرمایه‌ای برای تداوم صنعتی شدن در مواقع رکود صادرات است.

رویکرد سوم صنعتی شدن، طراحی استراتژی توسعه بر محور صادرات کالاهای صنعتی است. این رویکرد بر این مفهوم استوار است که افزایش تقاضای برون مرزی به رونق درون مرزی دامن می‌زند به عبارت دیگر صادرات می‌تواند همانند ضریب تکاثر عمل نماید. بررسی در ۵۰ کشور در حال توسعه ثابت کرده است که هر ۲/۵ درصد افزایش صادرات بطور متوسط منجر به ۱ درصد افزایش تولید ناخالص ملی می‌شود(اسدی، ۱۳۷۵: ۸۵).

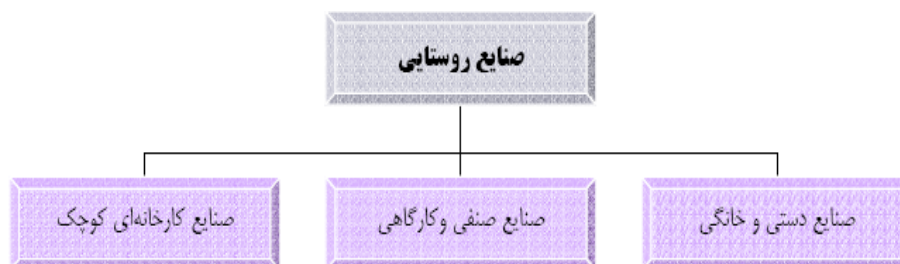
طبقه بندی صنایع روستایی

انواع صنایع روستایی

۱- طبقه بندی بر اساس نوع محصول تولیدی: این طبقه بندی توسط سازمان ملل متحد وضع شده، این روش طبقه بندی بر اساس نوع محصول و نوع کاربرد آن می باشد بر این اساس صنایع به ۱۲۸ نوع فعالیت تقسیم می گردد که انواع آن بصورت زیر است: ۱- مواد غذایی و محصولات وابسته ۲ - صنایع نساجی، پوشاک، چرم ۳-چوب، محصولات کاغذی، چاپ و نشر ۴- محصولات شیمیایی، زغال سنگ، لاستیک، پلاستیک ۵- محصولات کانی غیر فلزی به استثنای نفت و زغال سنگ. ۶- صنایع فلزی اصلی ۷- محصولات فلزی ساخته شده، ماشین آلات و تجهیزات ۸- سایر صنایع تولیدی این روش طبقه بندی بطور گسترده ای مورد پذیرش کشورهای مختلف قرار گرفته است و در زمینه صنایع روستایی نیز کاربرد دارد. در ایران نیز وزارت صنایع و وزارت جهاد کشاورزی برای طبقه بندی تحت نظارت خود از این روش به عنوان یکی از روش های مهم استفاده می کنند.

۲- طبقه بندی بر اساس معیار ترکیبی: در این روش صنایع بر اساس چند ملاک از جمله نوع نظام سازمانی تجهیزات و فن آوری مورد استفاده، اندازه و نوع محصولات تولیدی طبقه بندی می شوند. این روش نیز در دنیا بسیار رایج بوده و مقبولیت همگانی دارد. بر این اساس صنایع روستایی به سه گروه صنایع دستی و خانگی صنایع صنفی و کارگاهی و صنایع کارخانه ای کوچک (یا صنایع کوچک مقیاس) طبقه بندی می شود. (منبع قبلی ص ۳۴، ۳۶)

طبقه بندی صنایع بر اساس معیار ترکیبی



صنایع کارگاهی

از مهم ترین خصوصیات صنایع کارگاهی که آن را از صنایع دستی متمایز می سازد این است که دارای خط تولید پیوسته و مستمر نبوده و بر اساس نیاز و سفارش مشتری های محلی و نیازهای خاص متقاضی محصولات و خدمات خود را عرضه می کنند.

صنایع کارگاهی تاکنون در ایران سازماندهی خاصی نداشته اند و تنها طی چند سال اخیر از طریق ارائه کارتهای شناسایی به کارگاههای فعال اقداماتی در این زمینه از سوی جهاد کشاورزی صورت گرفته است در این طرح کارگاههای تولیدی به ۶ گروه عمده: صنایع غذایی سلولزی فلزی شیمیایی کانی غیر فلزی و نساجی طبقه بندی شده اند. از جمله صنایع مزبور می توان به کارگاههای شالی کوبی، آردسازی، رشته و ماکارونی، کارتن سازی، مقوا سازی، حصیر بافی، آهنگری، آلومینیوم کاری، تراشکاری، خدماتی، تراشکاری تولیدی جوشکاری، درو پنجره سازی، صابون سازی، ظروف یکبار مصرف، لوله پلاستیکی، طناب پلاستیکی، متقال بافی، فتیله بافی، تهیه لباس کار، جوراب بافی، آجر دستی، آهک پزی، مصنوعات سیمانی، موزائیک، سنگ بری و... اشاره کرد.

صنایع کوچک

در ایران ملاک اصلی تشخیص صنایع کوچک عمدتاً کارکنان شاغل در یک صنعت می باشد. طبق تعریف مرکز آمار ایران کلیه صناعی که کمتر از ۱۰ نفر کارکن دارند جزو صنایع کوچک محسوب می شوند و از طرف

دیگر وزارت صنایع مبنا را ۵۰ نفر قرار داده است. بطوری که واحدهای تولیدی با ۵۰ نفر و بیشتر را صنایع بزرگ و کمتر از ۵۰ نفر پرسنل را صنایع کوچک محسوب می کند.

بنابر این اگر صنایع بزرگ کشور را از نظر تعداد شاغل به صنایع با ۵۰ نفر شاغل و بیشتر تمایز کنیم می توان خصوصیات زیر را برای آنها ذکر نمود:

- ۱- مدیریت عمدتاً فردی است و تصمیمات مدیریت و هیأت مدیره معمولاً وجود ندارد
- ۲- به دلیل مکانیزه بودن خط تولید معمولاً کارکنان واحد بیش از ۴ نفر است
- ۳- لزوماً بر اساس سفارش کار نمی کند و تولید انبوه دارند
- ۴- تقسیم کار محدود و بعضاً گسترده و مشخص وجود دارد
- ۵- تولیداتی که بر اثر سفارش انجام می شود عمدتاً دارای محتوای فن آوری بالایی است
- ۶- قادر به اعمال استانداردهای تولید هستند
- ۷- اعمال مدیریت در این واحدها از قید و بندهای مدیریت سنتی رها شده و روش های علمی جای خود را باز کرده است.

صنایع دستی

صنایع دستی صنعتی هستند که تمام یا بخشی از مراحل ساخت فرآورده های آن با دست یا ابزار دستی صورت می گیرد و در چهارچوب فرهنگ و بینش فلسفی و ذوق هنری ساکنین هر منطقه با توجه به میراث قومی آنها ساخته و پرداخته می شود در این گروه از صنایع خلاقیت انسان نقش زیادی دارد. بخش اعظم مواد اولیه مورد نیاز در محل وجود دارد فن آوری آن متکی به تخصص های بومی و سنتی است. تولید در این گروه از صنایع شدیداً متکی به مهارتهای نیروی کار می باشد و نقش ماشین در تولید آنها تقریباً ناچیز است. تعداد کارکنان این گروه از صنایع معمولاً کم ولی می توانند در کارگاههای بزرگ نیز متمرکز شوند. این گروه از صنایع تبلور بخشی از فرهنگ و تاریخ یک کشور هستند لذا تولیدات آن جدا از مسئله اقتصادی یک تولید فرهنگی محسوب می شود.

تعریف صنایع دستی و سنتی

صنایع دستی به مجموعه ای از هنر صنعت ها اطلاق می شود که عمدتاً با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به کمک دست و ابزار دستی موجب تهیه و ساخت محصولات می شود که در هر واحد آن ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعت گر سازنده به نحوی تجلی یافته و همین عامل وجه تمایز اصلی این گونه محصولات از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه ای می باشد.

انواع صنایع دستی

دو نوع طبقه بندی برای صنایع دستی ذکر می گردد:

الف) طبقه بندی بر مبنای روش و تکنیک ساخت: ۱- صنایع بافته داری ۲- صنایع نساجی سنتی ۳- صنایع دستی بافتنی ۴- صنایع روکاری ۵- چاپهای سنتی ۶- نمد مالی ۷- سرامیک سازی و سفال گری ۸- شیشه گری ۹- قلم زنی ۱۰- مشبک کاری ۱۱- منبت کاری ۱۲- طراحی چوب ۱۳- خاتم سازی ۱۴- حصیر بافی ۱۵- گیوه دوزی ۱۶- تولید فرآورده های پوست و چرم و..

ب) طبقه بندی از لحاظ خاستگاه اجتماعی: ۱- صنایع دستی جامعه عشایری ۲- صنایع دستی روستاها ۳- صنایع دستی جامعه شهری (منبع قبلی، ۱۳۸۳)

از آنجائیکه تولیدات صنایع دستی با فرهنگ ذوق هنری ساکنین هر منطقه عجین شده و مبتنی بر خلاقیت انسانها است، بنابر این شامل مجموعه بسیار متنوعی از فعالیت های هنری و مصرفی است. مهندس دربان آستانه در کتاب مفاهیم مبانی ساماندهی صنایع نواحی روستایی صنایع دستی روستایی ایران را به ۷ گروه بشرح زیر طبقه بندی کرده است:

۱- بافته های بر روی دار: محصولاتی که به کمک دارهای افقی یا عمودی تولید می شوند در این گروه قرار می گیرند مانند قالی، گلیم، روپشتی و غیره

- ۲- دستبافی (نساجی صنعتی): فرآورده هایی هستند که با کمک دستگاههای بافندگی سنتی تولید می شوند مانند جاجیم، ترمه دوزی، زردوزی و انواع پارچه های پشمی پنبه ای و کرکی
- ۳- بافتنی: محصولاتی که به کمک قلاب میل و الیاف طبیعی تولید می شود مانند دستکش، جوراب، کلاه، شال گردن
- ۴- رو کاری: این محصولات از طریق دوختن نقش های سنتی بر روی پارچه های بدون نقش و یا کشیدن قسمتی از نخ های تار و پود پارچه بوجود می آید مانند سوزن دوزی، ملیله دوزی، منجوق دوزی
- ۵- چاپ های سنتی: کلیه ی پارچه هایی که بوسیله قلم مو، شابلن و نظایر آن رنگ آمیزی شده است مانند چاپ قلم کار، کلافه ای و چاپ دندانی
- ۶- نمد مالی: انواع مصنوعاتی که بر اثر درگیری و متراکم نمودن پشم و کرک در شرایط فنی مناسب از طریق ورز دادن تهیه می شود مانند کلاه نمدی، پالتو نمدی و نمد زیرانداز
- ۷- سفال گری و سرامیک سازی: محصولاتی که با استفاده از گل رس و همچنین گل حاصل شده از سنگها، کوارتز، کائولن و به کمک دست و چرخ سفال گری ساخته می شود.

اهمیت صنایع دستی

ایجاد و گسترش صنایع دستی در مناطق روستایی کشور و طرح آن به عنوان یک جریان تولیدی وسیع و همه جانبه مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و همچنین یک جانشین نیرومند برای جذب نیروهای مازاد بر فعالیت های کشاورزی در مناطق روستایی از اهداف اصلی ایجاد صنعت روستایی کشور می باشد. این گونه نگرش به نقش توسعه صنعت و صنایع دستی در روستاها به خاطر تأثیر عمیقی است که این بخش می تواند در ساخت اقتصادی، اجتماعی جامعه روستایی بر جای بگذارد.

بر این اساس رشد و توسعه مناطق روستایی بسیار فراتر از برنامه ریزی برای توسعه کشاورزی تلقی می شود و حتی توسعه روستایی در افزایش تولید، اشتغال و بهره گیری از ظرفیت های مناطق روستایی نیز خلاصه نمی گردد. بلکه ایجاد کیفیت های جدید زندگی در جهت رشد و تعالی انسانها نیز در این چارچوب مطرح می باشد. بنابر این ایجاد و گسترش صنایع دستی و روستایی علاوه بر جلوگیری از مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها دو هدف عمده دیگر را نیز به دنبال دارد: ۱- توسعه کشاورزی از طریق افزایش شاغلین این بخش و افزایش درآمد مورد نیاز آنها ۲- متنوع کردن فعالیت های غیر کشاورزی جهت جذب نیروهای بخش کشاورزی (فرهادیان، ۱۳۸۲)

از طرف دیگر صنایع دستی ریشه در اعماق فرهنگ و تاریخ جامعه ما دارد و به همین دلیل از نقش و مقام والایی برخوردار می باشد (بخصوص از نظر اقتصادی) چون صنایع دستی در اقتصاد کشور (پس از نفت) مهم ترین نقش را داراست.

مهم ترین زمینه های صنایع دستی در کشور عبارتند از قالی بافی، جاجیم و گلیم بافی، حصیر بافی، عبابافی، گیوه بافی، قلاب دوزی، ملیله دوزی، کرباس، و چادر شب بافی، توربافی، کوزه گری و سفال گری، سرامیک و کاشی سازی، پوستین دوزی خاتم سازی، مینا کاری، مینیاتور سازی، منبت کاری، قلمزنی، نقره سازی و قلم کاری (همین منبع ص ۹۱)

صنایع دستی در مناطق روستایی از نظر اشتغال زنان روستایی اهمیت ویژه و فوق العاده ای دارد آیا می دانید؟

«۹۰٪ بافندگان قالی را در مناطق روستایی زنان تشکیل می دهند و بقیه یعنی گلیم بافی، جاجیم بافی سکه دوزی و... تا ۸۰٪ نقش دارند. در کشور ما حدود ۱۲ میلیون زن و دختر در بیش از ۲۸ هزار روستای کشور مشغول به فعالیت در عرصه صنایع دستی هستند (عربی، ۱۳۸۳)»

روش های احیای ارزش اقتصادی و فرهنگی صنایع دستی:

صنایع دستی از دیرباز در کشورهای جهان سوم در بخش روستایی وجود داشته است ولی این صنایع از زمان هجوم صنایع غربی در یک تضاد قرار گرفته اند یعنی اینکه بخشی از این صنایع مانند شال بافی، گیوه بافی و... زیر ضربات تولید انبوه قرار گرفته و از بین رفته اند و یا در حالت نابودی قرار دارند و بدین سان ارزشهای هنری و فرهنگی و خلاقیت انسانی که بیانگر تاریخ و تمدن و فرهنگ اجتماعی و دینی جامعه و گذشتگان می باشد به بوته ی فراموشی سپرده می شود و بی هویتی فرهنگی تشدید می یابد. وظایف دولت ها است که با حمایت و برنامه ریزی از فرهنگ دیرینه که در پوشش صنایع دستی و... بیان و ارائه می شود دفاع نماید و در حفظ ارزشهای اقتصادی و فرهنگی آن کوشا باشد. حمایت های نهادهای ذیربط در این مأموریت چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمانهای تعلیم و تربیت در تدوین محتوای آموزشی موثر و مدارس و دانشگاهها برای نسل های کنونی و آینده می تواند مؤثر باشد. نقش رسانه های گروهی در انتقال ارزشهای فرهنگی به نسل جدید و اهمیت ارزش های اقتصادی آن می تواند مؤثر و مفید و کارساز باشد و در پیوند فرهنگ و ارزش های دیرینه و آینده مهم ترین نقش به عهده این سازمانهاست.

گرافه نیست اگر گفته شود صنایع دستی عمری به قدمت عمر بشر دارد. ایران از هفت هزار سال پیش بیرق این هنر نیاکانمان را به عنوان سند هویت ملی به رخ جهانیان کشیده است، سفره رنگین و هنر پرورانه صنایع دستی ایران هم اکنون دو میلیون و ششصد هزار نفر را مستقیم و حدود دوازده هزار نفر دیگر را غیر مستقیم گرد خود آورده است. اما هنر صنایع دستی با شاخصه های متنوع فرهنگی، معنوی و مادی... و جدای از همه آوازه های دیرینه اش، آنگونه که شایسته و بایسته است در زندگی عمومی مردم موفقیت اصیل خود را نیافته است. برخی کاستی ها و نارسایی های مرتبط با این مقوله به ضعف بازاریابی و یا کم لطفی به جایگاه این میراث ارزشمند فرهنگی بر می گردد. در چنین وضعیتی دور از باور نخواهد بود که گفته می شود صنایع دستی کشورمان در غبار

غربت غمزده است و نیز جایگاه های عرضه این هنر کهنسال به مثابه موزه های حداقل دست نیافتنی در رکود و سکوت و زیر خاشاک های بی توجهی نسبت به جایگاه ملی فرهنگی آن می نماید (منبع اینترنت)

بهبود سازی روش های حمایت از صنایع دستی

بدیهی است که صنایع دستی مخصوصاً در شروع کار باید از طرف دولت هدایت و حمایت شود یکی دیگر از خصوصیات که باید مورد توجه قرار گیرد این است که افرادی که می خواهند به این گونه صنایع دامن بزنند و باعث رشد و توسعه آن شوند باید با آگاهی کامل و با علم و دانش و تجربه کافی عمل بکنند. (شاهدی، ۱۳۷۸)

برای بهبود سازی روشها و تعمیم آن و ارتقا کمی و کیفی روشهای تولید برنامه های آموزشی دانشگاهی را بایستی گسترش داد. یعنی صنایع دستی به عنوان رشته ای در دانشگاهها، دانشکده ها، آموزشگاهها و هنرستانها، بیش از پیش متنوع و گسترش یابد و در جایی مطرح شود که خلاقیت، تحقیق، پژوهش و طراحی وجود داشته باشد. از طرفی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لازم برای تشکیل تعاونی های صنایع دستی در بعد حمایتی از ضرورت هاست.

بر اساس تجارب کشورهای آسیایی توصیه های زیر می تواند در حمایت از صنایع دستی مفید باشد: (عمادی،

۱۳۷۸)

- ۱- تواناسازی و تقویت صنایع از طریق بهبود وضعیت سازمانی آنها (تشکل و سازماندهی)
- ۲- گسترش روابط بین صنایع مناطق شهری و روستایی (جامع نگری)
- ۳- تغییر در نقش دولت از یک عامل تنظیم کننده صنایع دستی و کوچک روستایی به سمت عاملی حمایت کننده و تسهیل کننده برای صنایع (مشارکت مردم)
- ۴- توسعه نیروی انسانی شاغل در بخش صنایع دستی
- ۵- حمایت های مناسب مالی از طریق نهادها و تشکل ها
- ۶- هماهنگی فعالیت ها برای توسعه روستایی

توجه منطقی به حفظ و حمایت از صنایع کوچک دستی در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته که با مشکل بیکاری مواجه هستند اهمیت خاصی پیدا می کند چرا که از طرفی مانع نابودی این حرف می شود و از طرفی مشکل بیکاری حل می شود. اختصاص میزان وام های زیاد با بهره کم و توسعه شرکتهای تعاونی و اتحادیه ها از روش ها و راهکارهای مطلوب حمایتی می تواند باشد.

«تشویق و ترغیب روستاییان به توسعه صنایع دستی و اهتمام به ترویج، توسعه و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی روستا از وظایف دهیاران می باشد».

ایجاد شرایط مناسب در بهینه سازی بازارهای صنایع دستی و نمایشگاهها

نکته مهم ساماندهی تشکیلات حمایتی تولیدات و محصولات صنایع دستی از جمله بازاریابی و فروش است که تولید کننده روستایی بنایستی دغدغه بازاریابی و فروش داشته باشد. و سیستم طراحی شده بایستی بگونه ای طراحی شود که صنعت گر روستایی تنها به فکر تولید بوده و تمرکز قدرت فکری و ابتکار خود را برای بهره وری روشهای کار و تولید قرار دهد و از طرف دیگر تشکیلات اداری و حمایت کننده این واحدها با قرار گرفتن در زنجیره تولید ذکر شده مطرح و زمینه حضور در بازار و نمایشگاههای منطقه ای و جهانی را پی ریزی خواهند نمود زیرا نبایستی انتظار داشت کارگاههای کوچک هم خود تولید کننده و هم بازاریاب و هم وارد شونده به بازار جهانی باشند. (دانا، ۱۳۷۸)

تجربه جهانی نشان داده است که بازارهای رقابتی بهترین روش برای ساماندهی کارآیی تولید و خدمات می باشند. رقابت خارجی و داخلی انگیزه برای پیشرفت و رشد تکنولوژی را آماده خواهد کرد. نقش دولت در این فرآیند، سرمایه گذاری در زیر ساخت ها خواهد بود و خدمات ضروری برای جمعیت روستایی را که دسترسی به چنین منابعی ندارند مهیا خواهد کرد. (جمال احمد، ۱۳۷۸)

یکی از مشکلات و معضلات بنیادی و اساسی صنایع دستی روستایی موضوع بازاریابی و بازررسانی محصولات و تولیدات آنان می باشد. عدم آشنایی نسبت به نیاز و تقاضای بازار از یک سو و عدم تأمین نیاز کامل

و دقیق بازار از سوی صنایع دستی روستایی باعث می گردد که این صنایع بطور کامل موفق نبوده و با شکست های جبران ناپذیری روبرو شوند. به علت تحولات سریع و دایم بازار، آشنایی مدیران واحدهای کوچک روستایی نسبت به جریانها، تحولات، خبرها و وضعیت های بهنگام بازار محصولات یکی از نیازهای اساسی صنایع دستی روستایی می باشد (عمادی، ۱۳۷۸)

فرآیند تحولات جهانی و گسترش ارتباطات و تأثیر گذاری دوسویه واحدها و نظام بازار در جهان همیشه برای صنایع کوچک خطر ساز و بحران ساز نیستند در بسیاری از موارد، جهانی شدن و تأثیر بازارهای ملی و فرا ملی بر بازارهای منطقه ای فرصت ها را برای صنایع دستی ایجاد می کند که باعث می شود مزیت های نسبی و مزیت های مطلق این صنایع ارزش و سودمندی بیشتری را در بازار بیابد. شناخت این مزیت ها و کمک به این صنایع جهت استفاده از مزیت های نسبی و مطلق خود یکی از زمینه هایی است که می تواند باعث رشد سریع و حمایت جدی از صنایع دستی روستایی شود (همان منبع، ص ۳۴)

شناخت بازار و سلیقه افراد، ایجاد بازارچه و نمایشگاههای دائمی صنایع دستی، موزه هنرهای سنتی، نظارت بر کمیت و کیفیت کالا جهت رضایت مشتری، ایجاد تعاونی و اتحادیه جهت فروش محصولات، اضافه شدن واحد بازاریابی به دروس دانشگاهی رشته های صنایع دستی می تواند در این زمینه موثر باشد.

صنایع روستایی و توسعه روستایی

نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی

راه اندازی و گسترش صنایع روستایی با توجه به نقش مؤثری که در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌توانند ایفا کنند یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین راه‌ها برای غلبه بر معضلات مناطق روستایی محسوب می‌شوند.

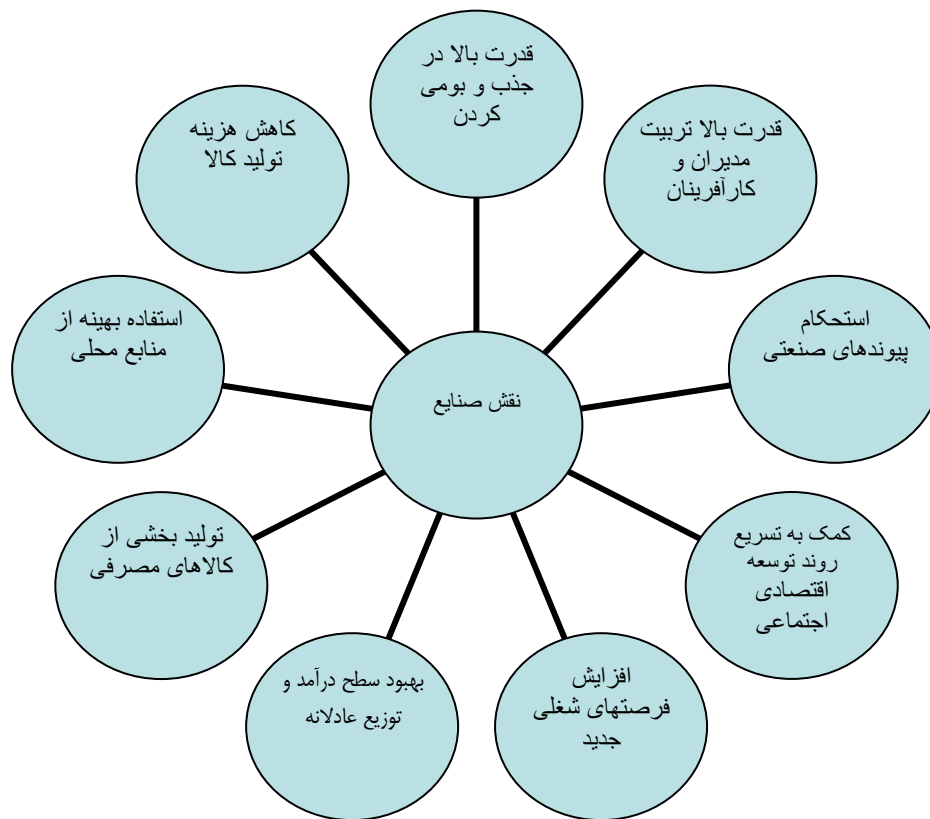
توسعه‌ی فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی، توزیع عادلانه‌تر درآمد - کاهش شکاف درآمدهای بین شهر و روستا کاهش فقر، مهاجرت، افزایش صادرات و کاهش واردات، امکان استفاده بهینه از منابع، امکانات موجود و مواد اولیه و همچنین کمک در تسریع روند توسعه کشاورزی از جمله مهم‌ترین پیامدهای مثبت و قابل ذکر گسترش صنایع روستایی محسوب می‌شود. شکل زیر نقش صنایع روستایی را در توسعه روستایی نشان می‌دهد.

مقایسه تطبیقی صنایع دستی - صنایع کارگاهی و صنایع کوچک روستایی:

ویژگی‌های صنعتی سه گروه صنایع روستایی در جدول زیر نشان داده شده است.

ویژگی‌های صنعتی	صنایع دستی	صنایع کارگاهی	صنایع کوچک
مدیریت	عمدتاً شخصی	شخصی و خانوادگی	شخصی و حقوقی
فن آوری	کاربر	کاربر	سرمایه بر - دانش بر
خط تولید	انعطاف پذیر	انعطاف پذیر	کاملاً انعطاف پذیر
نوع تولید	تولید انبوه	مبتنی بر سفارش	تولید سفارش و انبوه
آموزش نیروی کار	سنتی	کاملاً سنتی	تقریباً علمی و رسمی
انرژی مورد استفاده	انسانی - ساده	طبیعی	مصنوعی و انرژی فکری انسانی
روش تولید	مبتنی بر فرهنگ	مبتنی بر تجارب گذشته	مبتنی بر تفکر و خلاقیت
بازار فروش	محلی، ملی و بین‌المللی	محلی	محلی، ملی و بین‌المللی

منبع: دربان آستانه، ۱۳۸



(انگاره نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی)

مدیریت اقتصادی روستا

افق‌ها و چشم‌اندازهای مبتنی بر سرمایه‌گذاری در ایجاد فرصت‌های شغلی روستا

در ایران بررسی بازار کار در جامعه روستایی نشان‌دهنده افزایش کم تقاضای نیروی کار در سه دهه اخیر است. در جریان سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ روی هم رفته تقاضای کار در بخش کشاورزی کاهش یافته و از ۳/۱ به ۲/۸ میلیون نفر شاغل رسیده است. در بخش صنعت تقاضای کار در همین دوره، نخست رشد چشمگیری داشته که سه برابر بوده است، اما در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی کاهش یافته است.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در روستاهای کشور نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر شاغل صنعتی (صنایع کوچک روستایی) وجود داشته است اما در سال ۱۳۶۵ به حدود یک میلیون کاهش یافته است. در بخش خدمات تقاضای کار به تدریج افزایش یافته و در سه دهه اخیر نزدیک به سه برابر شده است.

قسمتی از فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش خدمات دولتی است که از ۱۱۲ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۸۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است. قسمت زیادی از این افزایش مربوط به سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است.

با توجه به کاهش اشتغال در بخش کشاورزی روی هم رفته در سه دهه اخیر جمعاً حدود ۵۰۰ هزار شغل صنعتی و نزدیک به ۶۵۰ هزار شغل خدماتی ایجاد شده است که شامل سالانه ۱۶ هزار شغل در بخش صنعت و ۲۲ هزار شغل در بخش خدمات است. (مهدی دوست ۱۳۷۵) نتیجه این روند موجب ایجاد یک شغل غیرکشاورزی برای هر روستا در سال نشده است. دلیل‌های ایجاد این وضعیت متعدد است. کافی نبودن پس‌اندازها و مازاد اقتصادی محدود، انتقال سرمایه از روستا به شهر، دسترسی نداشتن به سرمایه و اعتبارات (غیرروستایی) و گرایش نداشتن صنایع به جایگیری در روستا به دلیل ضعیف بودن زیربناها و سایر شرایط لازم و سرانجام نبودن سیاست‌های مؤثر و طراحی مناسب برای سوق دادن سرمایه‌گذاری‌های صنعتی به روستا از جمله عواملی است که در دهه اخیر از پیدایش شرایط مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی غیرکشاورزی (به‌ویژه صنعتی) در روستاها جلوگیری کرده است. از سوی دیگر نبودن یک سیاست جامع برای متنوع ساختن فعالیت‌های روستایی موجب شده است که مشاغل جدید بیشتر جنبه‌های خدماتی داشته باشد و محدود به سوداگری و دادوستد و یا امور عمومی و دولتی

جریان تشکیل سرمایه و محدودیت‌ها

ارزیابی جریان تشکیل سرمایه‌ها در روستا نشان می‌دهد که بخش وسیعی از جامعه روستایی توان کم و محدودی برای سرمایه‌گذاری دارند. جدا از دشواری‌های تشکیل سرمایه، روستاییان به سرمایه نیز دسترسی کمی دارند که با مشکلات گوناگونی همراه است. بانک‌ها در تأمین منابع مالی برای صنایع روستایی و فعالیت‌های غیرکشاورزی نقش زیادی ندارند.

بانک کشاورزی که فعال‌ترین بانک در امر روستاهاست، امکان پاسخگویی به نیازهای مالی همه فعالیت‌های اقتصادی جامعه روستایی را ندارد و بیشتر در زمینه کشاورزی فعال است.

بانک‌های تجاری نیز علاقه زیادی به دادن اعتبار مورد نیاز متقاضیان روستایی را ندارند. از طرف دیگر استفاده روستاییان از اعتبارات عادی نظام بانکی با مشکلات زیادی روبروست. در سال‌های اخیر بانک کشاورزی گرایش به مشارکت در زمینه صنایع وابسته به کشاورزی و روستایی داشته است و از سال ۱۳۶۵ به بعد دادن وام برای این کار را افزایش داده است. بطوری که میزان پرداخت‌های مستقیم این بانک از حدود ۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۵ به ۳۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۹ رسیده است. میزان اعتبارات پرداخت شده این بانک در سال ۱۳۶۹ حدود ۴۱۶ میلیارد ریال بوده است که ۷ درصد آن به صنایع روستایی و فعالیت‌های غیرکشاورزی اختصاص داشته است.

جهاد سازندگی نیز در سال‌های اخیر با ایجاد تسهیلاتی خاص، امکان استفاده صنعت‌گران روستایی را از اعتبارات بانک‌های تجاری و صنعتی برخوردار کرده است.

یکی دیگر از نهادهایی که می‌تواند در تهیه منابع مالی برای توسعه صنایع روستایی و فعالیت‌های کشاورزی مؤثر باشد، تعاونی‌های روستایی است. این تعاونی‌ها با ۳۱۰۰ شرکت و ۴/۳ میلیون عضو در ۵۸ هزار آبادی (که جمعیت زیر پوشش آنها ۲۱/۷ میلیون نفر) است فعال بوده و دارای سرمایه‌ای معادل ۷۸ میلیارد ریال است. این شبکه گرچه در زمینه صنایع تبدیلی و تکمیلی روستایی فعال است، اما عملکرد آن در زمینه تشکیل سرمایه

صنعتی برای توسعه روستایی ضعیف است.

سرمایه بخش غیرمتشکل اقتصاد یکی دیگر از منابع جامعه روستایی برای سرمایه‌گذاری است. این بخش شامل سوداگران سلف‌خرها، رباخواران و... است که در غیاب نظام بانکی و ضعف تعاونی‌ها، روستاییان به‌ناچار بخشی از نیازهای مالی خود را با بهره‌سنگین از این گروه‌ها می‌گیرند که کمتر صرف سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی می‌شود.

اتخاذ سیاست‌های جدید

چون کمبود سرمایه و دسترسی نداشتن روستاییان به سرمایه از مشکلات اصلی گسترش صنعت در نقاط روستایی است در سال‌های پس از انقلاب، با تهیه سیاست‌های خاص، اقدام‌های گسترده‌ای انجام گرفت که تسهیلات اعتباری ویژه برای سرمایه‌گذاری در امر تولیدی از آن جمله است. در چارچوب این تسهیلات برای دادن وام و اعتبارات به وثیقه ملکی نیازی نیست، بازپرداخت اصل وام‌ها را دولت تضمین می‌کند، همچنین اولویت‌هایی نیز در تأمین نیازهای ارزی برای این‌گونه فعالیت وجود دارد، این ملاک‌ها دسترسی روستاییان را به منابع مالی و سرمایه سهل‌تر و ایجاد مشاغل کشاورزی و غیرکشاورزی در زمینه‌های مولد را میسر ساخته است.

در سال‌های اخیر حمایت از توسعه صنعتی روستا به تأمین سرمایه محدود نشده است و اقدام‌های سازنده دیگری نیز برای استقرار صنایع و گسترش صنایع روستایی در نواحی محروم مانند معافیت‌های مالیاتی و بخشودگی‌های تعرفه‌های آب و برق و تلفن انجام شده است.

با اجرای این سیاست‌ها زمینه‌های مبانی برای تحول فضاها روستایی پدید آمده است، اما هنوز سرمایه‌گذاری‌ها از جنبه کمی و کیفی متناسب با ضرورت‌ها و پاسخگوی نیازهای گسترده جامعه روستایی نیست پیش‌بینی می‌شود که با اجرای سیاست‌ها و اقدام‌های دولت، بخشی از اشتغال ازدست‌رفته صنعتی در روستا جبران شود و دسترسی بیشتر روستاییان به سرمایه میسر گردد با وجود اتخاذ سیاست‌های مؤثر و تلاش‌های گسترده، مشکل اساسی جامعه روستایی، نبودن برنامه‌ای جامع و هماهنگ برای توسعه روستایی است که باید برخوردار از جهت‌گیری‌های مشخص در زمینه توسعه کشاورزی صنعتی و عمرانی روستا و همچنین متنوع‌سازی فعالیت‌ها از

فضاهای روستایی باشد.

در شرایط حال، هنوز سیاست، روش و ملاک‌های معینی برای ایجاد اشتغال در فعالیتهای غیر کشاورزی وجود ندارد صنایع روستایی به شیوه‌ای نهادی از سرمایه‌های روستایی بهره نمی‌گیرد و دسترسی به سرمایه‌های غیرروستایی نیز محدود و ناهماهنگ است.

نقش سرمایه‌گذاری در توسعه مناطق روستایی

سرمایه و سرمایه‌گذاری به‌عنوان عاملی که قادر است زمینه‌های رشد اقتصادی را در روستا فراهم کند قابل توجه می‌باشد. این جریان نه تنها به انباشته‌شدن سرمایه مادی کمک می‌کند، بلکه زمینه بکارگیری و فعال کردن عوامل تولیدی در روستا را نیز فراهم می‌کند تا تولید افزایش یابد و نیازها رفع شود.

سرمایه و سرمایه‌گذاری کمک می‌کند تا از عوامل تولیدی، بهره‌گیری مناسب صورت گیرد و این وضع موجب تعادل و توازن در فعالیت‌ها و بخش‌های گوناگون اقتصاد روستایی می‌شود و در نتیجه زندگی روستاییان را بهبود می‌بخشد.

در حال حاضر ظرفیت‌های فراوان تولیدی در بخش‌های کشاورزی، صنایع روستایی، خدمات و غیره وجود دارد، با این حال سرمایه‌گذاری‌هایی که در گذشته در مناطق روستایی صورت پذیرفته است در اوضاع موجود اقتصادی این مناطق تغییرات اندکی ایجاد شده است که نیازمند تجدیدنظر کلی نسبت بر چگونگی سرمایه‌گذاری می‌باشد از این راه می‌توان نسبت به توسعه مطلوب مناطق روستایی اقدام نمود.

سرمایه‌گذاری مناسب در مناطق روستایی شامل مرحله‌هایی است که نخستین مرحله آن اهمیت زیادی دارد، این مرحله شامل آن بخش از سرمایه‌گذاری‌هایی است که فعالیتهای اقتصادی را برای صاحبان سرمایه‌های کوچک مقرون به صرفه می‌کند، در این مورد ابتدا سرمایه‌گذاری از ناحیه سرمایه‌های ملی صورت می‌گیرد، به همراه این حرکت، وجود بازار مناسب در مناطق روستایی و سایر مناطق همراه با سیاست‌های تشویقی، زمینه رشد و توسعه روستایی به شکل مناسبی فراهم می‌شود.

سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و اساسی برای فعال نمودن اقتصاد روستا نتیجه‌های زیر را به همراه خواهد

داشت:

- ۱- خطرپذیری سرمایه‌های کوچک را کم می‌کند.
- ۲- بازدهی سرمایه‌های کوچک را افزایش می‌دهد.
- ۳- هزینه‌های تولید را کاهش می‌دهد.
- ۴- بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد.
- ۵- از راه انباشت سرمایه و ایجاد فرصت‌های شغلی، موجب افزایش درآمد روستاییان می‌شود.
- ۶- موجب گسترش بازار می‌شود.
- ۷- امکان رقابت سالم بین بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد.

نقش سرمایه‌گذاری و مدیریت در بهره‌برداری از منابع محلی

سرمایه‌گذاری در اقتصاد روستا به وسیله هر دو بخش خصوصی و عمومی (دولت) انجام می‌شود. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تابع عامل‌های گوناگونی مانند نرخ بهره، نرخ بازدهی نهایی سرمایه‌گذاری، ثبات اقتصادی، امنیت سیاسی و اقتصادی کشور و... است. معمولاً سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بیشتر در فعالیت‌های مولد صورت می‌گیرد. سرمایه‌گذاری بخش عمومی (دولت) که هم در امور زیربنایی و هم در فعالیت‌های تولیدی مستقیم صورت می‌گیرد تابع سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت است. اهمیت نقش هر دو بخش سرمایه در توسعه روستایی و گسترش دادن کمیت و کیفیت استفاده مناسب از عوامل تولید (و نیز عواملی که شرایط جذب آن در روستا فراهم می‌شود) می‌باشد. این جریان سبب ایجاد تعادل در فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصاد روستایی و بهبود زندگی روستاییان می‌شود.

از آنجا که بیشتر روستاهای کشور ما دارای امکانات تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه بخش کشاورزی بوده است و نسبت محصول - سرمایه در این فعالیت‌ها متناسب با امکانات و صرفه‌های اقتصادی و نیازهایی است، از این رو موضوع سرمایه اهمیت زیادی دارد، به عبارت دیگر وضعیت فعلی سرمایه‌های به‌کار گرفته شده، بازدهی مناسب را نداشته است، این درحالی است که ظرفیت‌های تولیدی فراوانی وجود دارد که از راه

سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های اقتصادی در روستا را رونق می‌بخشد. بنابراین اگر در رابطه با محصول سرمایه، سهم سرمایه‌های انسانی و نیروهای کارآمد و ماهر را مهم بدانیم سرمایه‌های مادی نیز در جای خود دارای اهمیت خواهد بود، یعنی بخش عمده‌ای از رشد اقتصادی ناشی از بازدهی سرمایه انسانی و بخشی از آن متوجه سرمایه‌های مادی می‌باشد. (فضلی، همکاران ۱۳۷۹)

بررسی اقدام‌های انجام شده در سطح روستاهای کشور نشان می‌دهد که در گذشته سرمایه‌گذاری‌ها از لحاظ انسانی و مادی از جایگاه مناسب برخوردار نبوده است. این موضوع با وجود سکونت نیمی از جمعیت کشور در مناطق روستایی و وجود ظرفیت‌های فراوان تولیدی در بخش‌های کشاورزی، صنایع روستایی، خدمات و غیره در این مناطق می‌باشد و تغییر وضعیت موجود اقتصادی روستاهای کشور نیاز به تجدید نظر نسبت به چگونگی سرمایه‌گذاری در روستا دارد که برای مدیران و برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی روستا جای تأمل دارد.

مدیریت و نقش شوراهای اسلامی در جذب و هدایت منابع اقتصادی

شوراهای اسلامی بخش از نهادهایی هستند که می‌توانند نقش مهمی در هماهنگ ساختن توسعه روستاها داشته باشند این شوراها با فعالیت‌های خود می‌توانند تشخیص دهند که وضعیت هر یک از روستاها و منابع اقتصادی موجود در آنها نسبت به یکدیگر چگونه است. از این رو با شناخت این وضعیت، می‌توانند نسبت به ارائه طرح و پیشنهاد به مسئولان، توسعه بخشی را به‌طور دقیق‌تری امکان‌پذیر سازند و رشد هماهنگ روستاهایی که در گسترده بخش مورد نظر قرار دارند تحقق بخشند. شوراهای اسلامی به‌عنوان مدیران محلی و افرادی آگاه می‌توانند زمینه تشخیص نیازها، کمبودها، مشکلات، امکانات و راه‌های مختلف تخصیص منابع، در تطابق برنامه‌ها با ارزش‌های بومی مناطق روستایی مؤثر باشند، این امر برای استفاده بهتر از نیروی انسانی و امکانات مالی و رسیدن به هدف‌ها بسیار اهمیت دارد.

شوراها می‌توانند به‌عنوان بازوی دولت در روستاها وظیفه خود را برای انجام برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت به‌طور فعال و آگاهانه انجام دهند.

حدود اختیارات شوراها نشان می‌دهد که شوراها می‌توانند نهادهای مردمی مشارکتی را به نوعی در داخل

روستا ایجاد و سازماندهی کند. در واقع شوراهای هسته مرکزی نظام مشارکت مردمی در سطح روستاها محسوب می‌شوند که می‌توانند سایر تشکلهای آنها را که مجموعه آنها نظام مدیریتی خودگردان روستا را شکل می‌دهد به وجود آورند.

راهاندازی گروههای تولید و نهادهای تشکلهای مردمی، ضمن اینکه مدیریت مطلوب را شکل می‌دهد، به شوراهای نیز فرصت خواهد داد تا با رهایی خود از مسایل اجرایی به مدیریت و هدایت امور بنیادی حوزه فعالیت خود مشغول شوند.

دهیاری و اهمیت آشنایی با مدیریت اقتصاد روستا

یکی دیگر از نقش‌ها و نهادهایی که بعدها از سوی دولت برای جامعه روستایی در نظر گرفته شد که در واقع جدیدترین تصمیمات حکومتی است عبارت است از تشکیل دهیاری‌ها و به کارگماردن افرادی که تحت عنوان دهیار در مجموعه روستا خدمت می‌کند. بررسی تشکیلات و سازماندهای دهیاری‌ها و مقایسه آن با نهادهای مدیریت روستایی قبل در کشور نشان می‌دهد که فلسفه وجودی راهاندازی و تأمین دهیاری‌ها آنهم تحت نظارت شوراهای اسلامی روستایی در سطح روستا و با سازماندهی وزارت کشور در سطح کلان کشور در حقیقت تلاش در جهت تحقق یکپارچه‌سازی سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی است.

دهیاری‌ها در راستای انجام وظایف خود نیازمند منابع درآمدی هستند. هرچه این درآمدها از منابع محلی و محیط روستا تهیه شود دهیاری‌ها در انجام وظایف خود موفق‌تر خواهند بود. یکی از وظایفی که در کنار شورا برعهده دهیاری گذاشته شده رسیدگی به وضعیت اقتصادی روستاست. براساس بندهای ۲، ۸، ۳۷، و ۴۷ ماده ۱۰ اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌های خودکفا دهیار موظف است به شورای روستا در جهت شناخت مشکلات اقتصادی و تهیه طرح‌های عملی کمک کند. همچنین دهیار موظف است به ترویج و توسعه صنایع دستی اهتمام ورزد و در بازاریابی محصولات زراعی و دامی و صنعتی به تولیدکنندگان روستایی یاری رساند. شناسایی زمینه‌های اشتغال در جهت تأمین کار برای افراد جویای کار با همکاری دستگاه‌های ذیربط از دیگر وظایف دهیاران در زمینه مسائل اقتصادی می‌باشد. (معصوم، ۱۳۸۲)

از سوی دیگر براساس دستورالعمل توزیع عوارض متمرکز دهیاری‌ها برای دریافت سهم خود از این عوارض می‌بایست طرح‌هایی را در قالب برنامه به مراجع مسئول ارائه دهند از جمله این برنامه‌ها برنامه اقتصادی است. براساس این دستورالعمل طرح‌هایی که در حوزه اقتصادی و برای رشد و توسعه تولید اقتصادی از سوی دهیاری تهیه می‌شوند در اولویت جذب عوارض قرار خواهند گرفت. همچنین دهیاری‌ها برای تدوین برنامه پنج‌ساله خود درگام اول می‌بایست به شناسایی مسائل و مشکلات اجتماعی اقتصادی و کالبدی روستای خود بپردازند. نکته دیگر آن است که براساس اساسنامه دهیاری‌های خودکفا دهیار موظف است همه‌ساله بودجه دهیاری را برآورد. تنظیم و جهت تصویب به شورای روستا ارائه کند، برای تنظیم بودجه، دهیاری نیازمند محاسبه منابع درآمدی است. همه این موارد حاکی از اهمیت شناخت وضع اقتصادی از سوی دهیاری است. در میان مسائل اقتصادی روستا سه مسئله شامل آشنایی با منابع تولید، میزان تولید، و درآمد سالانه از اهمیت بیشتری برای دهیاری برخوردار است. (همان منبع ص ۱۸).

نقش مدیریت اقتصادی تعاونی‌های روستایی در تأمین منابع مالی و توسعه اقتصاد روستا

یکی دیگر از نهادهایی که می‌تواند در تهیه منابع مالی برای توسعه صنایع روستایی و فعالیت‌های کشاورزی مؤثر باشد تعاونی‌های روستایی و مدیریت این تعاونی‌هاست. به نظر می‌رسد دو نوع تعاونی تولید و توزیع می‌تواند در این رابطه مؤثر افتند که هر یک اقسامی می‌توانند داشته باشند یکی از این تعاونی‌ها: تعاونی توزیع است که هدفش تهیه مواد اولیه ابزار کار، اعطای وام و اعتبار و فروش مصنوعات اینها می‌باشد. هر عضو به‌طور مستقل به کار تولید می‌پردازد. به این ترتیب در امر تولید اشتراکی وجود ندارد بلکه عملیات قبل و بعد از تولید، با استفاده از تعاونی‌ها به‌صورت مشترک انجام می‌شود. این نوع تعاونی استقلال خانواده روستایی را از بین نمی‌برد و لذا جز رقابت و بعضاً مخالفت واسطه‌ها ایراد مهم دیگری، در راه این تعاونی‌ها به نظر نمی‌رسد این نوع تعاونی‌ها می‌تواند دارای اقسام زیر باشند:

۱- تعاونی توزیع برای صنایع دستی که در جمع‌آوری و تهیه مواد اولیه مورد نیاز آنها و فروش

محصولاتشان اقدام می‌کند.

۲- تعاونی توزیع صنایع کوچک که باز آن هم به تهیه مواد اولیه و مایحتاج این کارگاهها و خرید مصنوعاتشان و ارائه آن به بازار تعاونی‌های تولید پردازد. هدف این تعاونی‌ها تولید دسته‌جمعی کالا می‌باشد. به این ترتیب که با سرمایه مختصر اعضا و اخذ وام و اعتبار از منابع بانکی به صورت یک واحد تعاونی به فعالیت‌ها پردازد (طالب ۱۳۶۵)

برنامه‌ریزی شرکت‌های تعاونی باید به منظور تأمین نیازهای موجود باشد و علاوه بر جنبه اجتماعی جنبه اقتصادی مورد توجه قرار گیرد و هرگز غفلت نشود.

در برنامه‌ریزی فعالیت تعاونی باید (اصل تعاون) را سنگ زیربنای قدرت اقتصادی قرار داد تا از سرمایه محدود، مدیریت صحیح، مهارت‌های افراد همکاری و کمک‌های متقابل اعضا در مدتی کوتاه به سوی تکاملی جهشی حرکت کرد و سطح زندگی اعضای تعاونی را بهبود بخشید.

در برنامه‌ریزی شرکت‌های تعاونی باید امکانات و مسایل مربوط به هریک از آنها را از لحاظ اقتصادی باید دقیقاً بررسی کرد.

در برنامه‌ریزی شرکت‌های تعاونی باید جنبه اقتصادی که نقش اصلی را در برنامه‌ریزی فعالیت‌های تعاونی دارد مورد توجه قرار گیرد بطوری که اخیراً در کشورهای اروپایی و برخی از کشورهای لاتین سیاست ادغام شرکت‌های تعاونی کوچک جهت تشکیل شرکت‌های تعاونی بزرگ‌تر را به منظور ایفای نقش مؤثرتری در اقتصاد ملی درپیش گرفته‌اند. شایان ذکر است که توسعه آتی شرکت تعاونی باید در برنامه‌ریزی آن مورد توجه قرار گیرد (شکیبا مقدم ۱۳۸۵). به هر حال باید این حقیقت را پذیرفت که تفسیر کلی از شرکت تعاونی در نقاط مختلف جهان متفاوت است از این‌رو در برنامه‌ریزی فعالیت‌های تعاونی باید تناسب هر تجربه و تغییر را با نگرش به موقعیت‌های محلی در نظر گرفت و به جای توجه به تغییرهای خشک و سنتی به مفهوم واقعی تعاونی که نتایج آن موجب رفاه و آسایش بیشتر نسل‌های آینده می‌شود دقت کرد.

در ارزیابی امکانات برنامه‌ریزی شرکت‌های تعاونی این نکته مهم است که تعاونی‌ها اعم از قدیمی و جدید، استعداد هماهنگی با شرایط و نیازهای زمان را داشته باشند. در روستاهای کشور ما که اساس سازمان‌های

اجتماعی مبتنی بر سنت‌های روستایی و عشایری است، اصل همکاری و کارهای دسته‌جمعی وجود داشته و رواج دارد، این پدیده زمینه بسیار مساعدی را برای پیشبرد و موفقیت‌های فعالیت‌های تعاونی فراهم می‌کند.

الزامات برنامه‌ریزی و مدیریت برای صنعت روستا

صنعتی که در روستا مستقر می‌شود باید از مهارت‌های داخلی، مواد خام داخل کشور، منابع مالی و همچنین بازارهای داخلی مدد بگیرد. این امر می‌تواند در روستا، در صنعت و اقتصاد کشور حرکتی ایجاد کند، همچنین در تولید ناخالص ملی می‌تواند جایگاه مهم و حساسی نیز داشته باشد.

شاید اقدام عملی برای توسعه صنعت در روستا ایجاد سازمان‌های مناسبی که در رشد و تسریع‌بخشیدن به حرکت استقرار صنعت در روستا مهم است باشد، یعنی ما سازمان‌های گوناگونی را برای ایجاد سرعت در استقرار صنعت روستا به مدد بگیریم، اما این سازمان‌ها باید چه کارهایی را انجام دهند؟ شاید کارهایی را که بتوانند انجام دهند خود تعیین‌کننده نوع آن باشد.

یکی از موضوعات مهم آموزش است برای آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش صنعت و روستا، سازمان‌های مناسبی از قبل داشته‌ایم که متأسفانه در این موارد از آنها استفاده مناسب نشده و کمتر سرمایه‌گذاری شده است. همچنین استفاده از نظام آموزش و پرورش کشور است، برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز از روستاییان، برای تخصص‌هایی که در بخش صنعت روستا بدان نیاز داریم، خوشبختانه در این زمینه در سال‌های اخیر حرکت‌هایی در آموزش و پرورش می‌بینیم که امیدوار هستیم این حرکت‌ها گسترده‌تر و هدف‌دار شود. موضوع دوم تهیه و تدارک تسهیلات تخصصی است. که صنعت روستا احتیاج دارد. در تهیه طرح و طراحی کارگاه‌ها و کارخانجات مناسب برای روستاها و مشاوره‌های تخصصی که در کشور در زمینه آنها کار شود که هنوز در این زمینه فقیر هستیم.

موضوع سوم حمایت مالی است که نه تنها در بخش صنعت بلکه در بقیه بخش‌های روستایی نیز با مشکلات زیادی روبرو هستیم و هنوز منابع اعتباری بانک کشور یک حمایت مالی مستمر و مستقل برای روستاها انجام نداده، بلکه حمایت‌های اعتباری بانکی همیشه در اولویت بسیار پایینی مسئله تأمین اعتبارهای روستایی را قرار

داده و آن هم تضمین‌هایی که دولت در بازپرداخت آن کرده، آنها را شائق به انجام چنین کارهایی کرده است. به هر حال سوق دادن سرمایه‌ها و منابع اعتباری بانک‌ها به سمت سرمایه‌گذاری در روستاها و جذب سرمایه روستاییان در استقرار این صنعت می‌تواند به‌عنوان یک سازمان مناسب باشد. البته به این نکته هم باید توجه کنیم که بعد از انقلاب به دلیل حجم سرمایه‌گذاری و توسعه‌ای که در بخش اقتصاد روستا به‌خصوص در زمینه کشاورزی انجام شده تحولات خوبی در آنجا مشاهده می‌شود و امیدواریم که آینده آن بهتر از وضع کنونی شود.

موضوع دیگر بازاریابی است. بازاریابی صنعت روستا و تأمین بازاری که بتواند به‌خوبی صنعت روستا را نشان دهد «البته این بخش شاید در مراحل اولیه باشد» همچنان که تولید کشاورزی روستاییان با این مشکل روبروست صنعت روستا نیز با مشکلاتی روبروست. کشور باید نوعی سیاست‌گذاری کند که محصولات صنعتی روستاییان در مقابل محصولات صنایع شهری و واردات مغضوب واقع نشود.

موضوع ششمی که سازمان‌های مناسب در رابطه با ارتقا صنعت روستا لازم است روی آن کار کند کنترل کیفیت و یا زمینه‌سازی برای بالابردن سطح کمی و کیفی صنعت روستایی است. در این زمینه یکی از دلایلی که به صنعت روستا بها داده نمی‌شود شاید سطح نازل کمی و کیفی صنعت در روستاها باشد. موضوع هفتم بحث تکنولوژی مناسب و ارتقا آن است و آن از بحث‌هایی است که برای صنعت در کشور نیز آن را داریم (لاهیجانیان ۱۳۶۵)

صنعتی که در کشور می‌خواهد پیاده شود چه تکنولوژی و چه برنامه‌هایی باید داشته باشد؟ به هر حال شناخت فن صنعت روستا و تکنولوژی مبانی و روش‌های ارتقا آن در سطح صنایع دستی و صنایع روستایی موجود کاری است که وظیفه سازمان‌های پشتیبانی‌کننده از صنایع روستا است.

تکنولوژی مناسب کدام است؟

منظور از تکنولوژی مناسب این است که تکنولوژی که برای شرایط اجتماعی خاص، براساس نظام ارزش‌های آن جامعه طرح و یا انتخاب می‌گردد، خصوصیات این تکنولوژی مناسب در بخش روستایی کشورهای پیرامون که خودشان را از قید و بند وابستگی رها نموده‌اند علاوه بر جنبه‌های مطلوب اقتصادی، مطلوبیت اجتماعی

را نیز به همراه دارد. این تکنولوژی در مقابل تکنولوژی نامناسب دارای خصایص زیر است:

۳- هزینه تأسیسات آن پایین است و به آسانی قابل وصول می‌باشد یعنی یک سری از تکنولوژی‌هایی که به‌عنوان تکنولوژی نامناسب به‌دست آورد نشان برای روستاییان مشکل است تکنولوژی مناسب به لحاظ هزینه پایین باید قابل وصول باشد.

۴- از لحاظ سرمایه‌گذاری توزیعی است یعنی اینکه تمرکز در دست یک نفر ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند به وسیله اشتراک کلیه افراد روستایی یا دست‌اندرکاران تولید ویژه تأمین شود.

۵- دامنه کم، قابل کنترل، بادوام، قابل اطمینان، ساده و پیشرفته است.

۶- از لحاظ تصمیم‌گیری نامتمرکز و از جهت تولید تحت کنترل به‌کارگیرنده تکنولوژی باشد این مسئله خیلی مهم است یعنی کسی که می‌خواهد تکنولوژی را به‌کار گیرد کنترل آنها هم باید در اختیارش باشد.

۷- شامل نوآوری محلی می‌شود یعنی به‌کارگیرنده‌های تکنولوژی باید بتوانند در آن تکنولوژی خاص دخل و تصرف و ایجاد نوآوری کنند نه اینکه تکنولوژی از همان ابتدایی که داده می‌شود در قراردادش نوشته شود که هیچ‌گونه حق تغییر و تحول در اجزا آن به وسیله افراد یا مؤسسه یا کشوری که از آن استفاده می‌کند جایز نیست. توسعه و انتشار باید از پایین به بالا و در رابطه با احتیاجات اساسی مردم آن منطقه باشد.

۸- کاربر بوده و ایجاد شغل می‌کند. بدون شکل هر تکنولوژی که کاربر باشد ایجاد شغل بیشتر می‌کند.

۹- فاقد پیچیدگی است و از تقسیم کار پایینی برخوردار است. بدون شک هرچه تقسیم کار بیشتر باشد، میزان استثمار افرادی که در آن قسمت هستند بیشتر خواهد بود.

۱۰- تولید براساس نیاز محلی است.

۱۱- دارای مصرف ذخیره داخلی است یعنی ضمن اینکه منابع را مصرف می‌کند که آن را در یک منطقه بطور یک‌طرفه از بین نمی‌برد مثلاً یک کارخانه چوب باید طوری تولید کند که در کوتاه‌مدت و درازمدت جنگل‌های آن منطقه را از بین نبرد. (لهسایی زاده ۱۳۶۵).

چرا برنامه‌ریزی و مدیریت بر صنایع دستی و روستایی از اهمیت و حساسیت

بیشتر برخوردار است؟

صنایع دستی که ریشه در اعماق و تاریخ و سنن فرهنگی جامعه ما دارد به دلیل بار اقتصادی، فرهنگی و تاریخی و هنری خود از نقش و مقام والایی در فعالیتهای اقتصادی مملکت برخوردار است. چون صنایع دستی در اقتصاد کشور (بعد از نفت) مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند می‌بایست در برنامه‌ریزی‌ها دقیقاً مورد توجه قرار گیرد. صنایع دستی از ابعاد زیر دارای اهمیت و حساسیت است.

۱- اشتغال‌زایی: تعداد قابل توجه شاغلین رشته‌های گوناگون صنایع دستی و سنتی چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی از مهم‌ترین عوامل مؤثر توسعه اقتصادی به حساب می‌آید. اشتغال‌زایی صنایع دستی در جهت پیشگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

۲- ارزش افزوده صنایع دستی: تولیدات صنایع دستی در ابعاد مختلف و بخصوص صادرات کشور از ویژگی خاص در زمینه‌های اقتصادی، ارزآفرینی و تولید درآمد ملی برخوردار است، ارزش افزوده این‌گونه تولیدات موجب توصیه اکید در زمینه توسعه و گسترش آن می‌شود.

۳- عدم وابستگی صنایع دستی: عموماً صنایع دستی به مواد اولیه خارجی احتیاجی ندارد و متکی به تولیدات داخلی است و تنها در مواردی نادر به میزان ناچیزی به مواد اولیه خارجی وابسته می‌شود. علی‌هذا در مجموع توسعه و گسترش صنایع دستی را می‌توان گام مفیدی در خودکفایی نسبی کشور به حساب آورد.

۴- مظاهر فرهنگی صنایع دستی: اصالت‌های فرهنگی و هنری صنایع دستی مبین ارزش‌ها و هویت سنتی جامعه است، اشاعه این‌گونه صنایع دستی در گسترش و تعمیم فرهنگی جامعه بسیار بااهمیت می‌باشد.

رهیافت‌ها و اتخاذ سیاست‌های لازم برای توسعه اقتصادی روستاها با تکیه بر صنایع روستایی

بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی اجتماعی روستاییان نشان می‌دهد که اتخاذ روش‌های گذشته نه تنها روستاییان را به سمت شهرها کشانده است بلکه با تغییر الگوی مصرف در حد استاندارد کشورهای صنعتی و عدم تطابق آن با میزان تولیدات کشور در کنار سایر مسائل موجب افزایش وابستگی به ویژه در مواد غذایی حاصل از محصولات کشاورزی که می‌بایست در روستاها به عمل آید شده است.

نکات فوق‌الذکر نمایانگر ضرورت تغییر در سیاست‌های قبلی و اتخاذ سیاست‌ها جدیدی در روستای هدف‌ها و جهت‌گیری کلی توسعه اقتصادی اجتماعی می‌باشد.

سیاست‌های فوق‌الذکر و مسائلی که کشور ما با آن مواجه شد کم و بیش در اکثر کشورهای در حال توسعه به وقوع پیوست و از آنجا که تئوری رشد صنعتی شتابان و هدف قراردادن رشد اقتصادی موجب توسعه واقعی اقتصادی این کشورها نشد، تئورسین‌های مسائل توسعه در دهه ۱۹۷۰ افزایش میزان اشتغال و توزیع عادلانه درآمدها را محور برنامه‌های خود قرار دادند که این محور الزاماً با توجه به میزان جمعیت روستاها در کشورهای جهان سوم نیاز به اولویت دادن به بخش کشاورزی در مقابل تئوری صنعتی شدن شتابان داشت.

از جمله اهداف توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی استقلال اقتصادی است که در این رابطه کالاهای اساسی مصرفی مورد نیاز مردم بایستی عمدتاً در داخل کشور تولید شود زیرا در غیر این صورت با قطع ورود این کالاها و ایجاد کمبود حاد در موارد اساسی مورد نیاز مردم کشور متزلزل می‌گردد.

در این مسیر کشاورزی به عنوان محور توسعه در نظر گرفته شده و طبیعتاً سایر بخش‌های اقتصادی نیز بایستی در جهت تقویت این بخش تلاش نمایند. در این ارتباط افزایش درآمد کشاورزان نسبت به درآمدهای مربوط به اشتغال در شهرها و اشتغال کامل آنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

راه صحیح افزایش درآمدهای کشاورزی اتخاذ سیاست‌های مناسب مربوط به نظام قیمت‌ها در بخش کشاورزی، بردن عناصر مثبت زندگی شهری به روستاها، ایجاد امکانات زیربنایی تسهیلات مربوط به نهادهای

کشاورزی، سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش کشاورزی تغییر شرایط داد و ستد بین جمعیت‌های روستایی و شهری به نفع روستاییان و کلیه سیاست‌هایی که باعث می‌گردد بطور مستقیم درآمدهای کشاورزان را بالا ببرد می‌باشد.

از جمله راه‌های دیگر جهت افزایش درآمد کشاورزان، اشتغال کامل آنان و اشتغال روستاییان مازاد بخش کشاورزی در روستاها از طریق بکارگیری فعالیت‌های مربوط به بخش صنعتی می‌باشد. بخش صنعتی با سمت‌گیری حمایت، تقویت و پشتیبانی واقعی از تولیدات کشاورزی و دامی می‌تواند عامل مهمی در جهت ایجاد اشتغال برای جمعیت روبه رشد روستاها به صورت فعلی یا دائمی، ایجاد زمینه رشد خلاقیت‌ها و تأمین و تولید بخشی از کالاها و تولیدات مورد نیاز کشور تلقی شود. (نصیرزاده، ۱۳۶۵) در زمینه جهت‌گیری و سیاست‌های مربوط به احداث صنایع در روستاها نکات زیر بایستی در نظر گرفته شود:

۱- حفظ محوربودن فعالیت‌های کشاورزی بطوری که با شروع فعالیت‌های صنعتی در مناطق روستایی با توجه به درآمدهای حاصله از بخش صنعت اولویت فعالیت‌های کشاورزی چه از سمت سرمایه‌گذاران و چه از سمت روستاییان حفظ شود.

۲- ایجاد انگیزه فعالیت صنعتی براساس برنامه‌های آموزشی و ارائه تسهیلات به‌جای تزریق صنایع به مناطق روستایی.

۳- استفاده از صنایع مناسب روستا با توجه برتری‌های نسبی در مناطق روستایی از بعد نزدیکی به محل، عرضه مواد اولیه و یا نزدیکی به بازار مصرف بطوری که انجام فعالیت‌های صنعتی لطمه‌ای به بافت منطقه بخصوص از نظر کشاورزی نزند.

۴- بالا بردن ظرفیت‌های مدیریتی بطوری که ماشین اداری بتواند به صورت کار، یا زمینه فرهنگی قوی از طریق ارائه آموزش‌های لازم فعالیت نمایند.

۵- آموزش هنر مدیریت به روستاییان، بطوری که آنها بتوانند به‌راحتی یا مسائل اقتصادی فعالیت‌های خود برخوردار نمایند.

۶- دادن آموزش‌های فنی به روستاییان با در نظر گرفتن این محدوده که ابزارهایی که در مورد آنها به روستاییان آموزش داده می‌شود بتواند به آسانی توسط روستاییان پس از دوره آموزش تهیه و به کار گرفته شود.

۷- ایجاد تشکیلات مناسب دولتی جهت هدایت فعالیت‌های صنعتی در روستاها و کم کردن تعدد مراکز تصمیم-

گیری و دوری از کاغذبازی

۸- بالابردن روحیه فعالیت‌های مشترک تعاونی در میان روستاییان با توجه به کمبود انباشت سرمایه در روستاها و

ارائه تسهیلات مالی لازم از طریق سیستم بانکی

۹- ایجاد صنایعی که الگوی مصرف روستا را متناسب با ارزش‌های فرهنگی حاکم هماهنگ نموده و بار ارزی

جدیدی بر مجموعه فعالیت‌های اقتصادی کشور تحمیل نماید.

۱۰- تأکید بر تولید به وسیله توده‌ها به جای تولید انبوه و ارائه مکانیزم‌هایی که برنامه‌های تولید به وسیله توده را

اقتصادی گرداند.

۱۱- تنظیم سیاست‌های حمایتی لازم جهت صنایع نوزاد روستایی، بطوری که تولیدات این صنایع بتواند با

محصولات سایر واحدها رقابت نمایند.

۲- ایجاد امکانات زیربنایی لازم به منظور گسترش فعالیت‌های صنعتی در روستاها

۳- تأکید بر گسترش فعالیت‌های مربوط به صنایع کوچک (منبع قبلی ص ۹۳ و ۹۴).

۴- در زمینه تکنولوژی مورد استفاده در صنایع روستایی بایستی ملاحظات زیر به عمل آید:

الف- تکنولوژی صنایع احداثی در روستاها باید با سنت و فرهنگ مناطق روستایی سازگار باشد.

ب- تکنولوژی مورد استفاده در سطحی باشد که در روستاها قابل بهره‌برداری بوده و به بالا بردن دانش فنی

روستاییان کمک کند.

ج- ماشین‌آلات و قطعات مورد نیاز صنایع روستایی حتی‌الامکان در داخل کشور تولید شود.

د- حتی‌المقدور سرویس و نگهداری و تغییر آنها در محل امکان‌پذیر باشد.

۵- هماهنگی برنامه‌های مربوط به صنایع روستایی با برنامه‌های کلی صنعتی کشور

۶- در نظر گرفتن تفاوت‌های جغرافیایی و اقلیمی بین روستاهای مختلف و عدم ارائه راه‌حل‌های یکسان

برای نقاط گوناگون.

نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی

نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی

ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی و طرح آن به عنوان یک جریان تولیدی وسیع و همه‌جانبه در جایگاه مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و همچنین یک جانشین نیرومند برای جذب نیروهای کار در مناطق روستایی، از اهداف اصلی ایجاد صنعت روستایی می‌باشد. اینگونه نگرش به نقش توسعه صنعت در روستاها به خاطر تأثیر عمیقی است که این بخش می‌تواند در ساخت اقتصادی، اجتماعی جامعه روستایی بر جای بگذارد.

توسعه روستایی شامل یک فرایند عمیق تغییرات در کل جامعه، در جامعه محلی و از همه مهمتر در نقش افراد می‌باشد. این فرایند روشی است برای افزایش فرصت‌های قابل دسترسی برای افراد روستایی و افزایش امکانات بهره‌برداری از منابع موجود در روستا، بنابراین یکی از اهداف مهم در توسعه روستایی، ایجاد تنوع اقتصادی و فراهم آوردن زمینه فعالیت‌های غیر کشاورزی، همگام با کشاورزی، بویژه صنایع روستایی است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۳-۱۵۲).

گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ بنای استراتژی توسعه آینده مورد بحث قرار داده‌اند و معتقدند: صنعتی شدن روستا در چارچوب طرح‌های ملی و نیز افزایش نرخ صادرات در جهت ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها به سه هدف ۱. اصلاح درآمد سرانه ۲. کاهش بیکاری و ۳. کاهش عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر است (Shrinivas, ۱۹۵۸: ۸). همچنین صنعتی شدن روستا به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال پایدار^۱ و به عنوان آخرین چاره مشکل فقر مناطق روستایی هم اینک بخش بالقوه در جهت رفع مشکل بیکاری است (Kishore, ۱۹۹۷: ۵۷). در مورد اشتغال زایی پایدار این صنایع باید اشاره کرد که غالباً صناعی که در ارتباط با مسائل اجتماعی، جغرافیایی، محصولات کشاورزی و دامداری روستا هستند اشتغال بیشتری ایجاد می‌کنند. به نظر می‌رسد با وجود صنایع کاربر و صناعی که به تولیدات زنجیره وار روستا

۱. Sustainable Employment

پیوسته است و با دیگر مسائل محل استقرار صنعت روستایی ارتباط دارد، استقرار صنایع دیگر، که فاقد که فاقد چنین خصوصیتی است، غیر اقتصادی به نظر می رسد.

دیدگاه اشتغال پایدار معتقد است صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت های غیر کشاورزی عاملی مهم در افزایش رفاه^۱ و تامین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده های فقیر روستایی است (Carl, ۱۹۹۴:۴۸).

صنعتی شدن روستا ها پیامد ها و اثرات مختلفی دارد که اهم آنها به شرح ذیل می باشد.

۱. افزایش فرصت های شغلی بویژه برای جوانان روستایی؛ ۲. جلوگیری از مهاجرت؛ ۳. توزیع عادلانه درآمد؛ ۴. استفاده بهینه از منابع موجود در مناطق روستایی؛ ۵. شکوفایی استعداد ها و خلاقیت های روستاییان؛ ۶. کاهش بیکاری فصلی و دوره ای (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۴: ۲۲). ۱۳. تولید بخشی از کالاهای مصرفی داخلی و جایگزینی واردات. ۸. کاهش هزینه تولید کالا؛ ۹. قدرت بالا در جذب و بومی کردن فناوری؛ ۱۰. قدرت بالا در تربیت مدیران و کارآفرینان؛ ۱۱. استحکام پیوند های صنعتی؛ ۱۲. کمک به تسریع روند توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی (دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۵۱) ۱۳. تقویت پایه های اقتصادی در مراکز روستایی؛ ۱۴. فرآوری تولید کشاورزی محلی؛ ۱۵. تهیه نهاده های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی (مهندسان مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۱: ۳۸۰). ۱۶. تقویت موقعیت نهاد های درون منطقه ای؛ ۱۷. افزایش اهمیت عرضه های فرا منطقه ای^۳ داشته باشد (مهندسان مشاور DHV از هلند، ۱۳۷۵: ۶۷).

همچنین استقرار صنعت در مناطق روستایی می تواند ضمن ایجاد اشتغال دارای اثرات مضاعف^۴ نیز باشد. بطوری که تجربیات کشور های متعدد نشان می دهد هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن نه تنها اثرات اقتصادی معنا داری در مناطق روستایی ایجاد می نماید بلکه منجر به یک اقتصاد خود رانشی^۵ نیز می شود

(Achyutha, ۱۹۹۰: ۱۵).

۱. Welfare Augmenting

۲. Intra- Regional

۳. Extra Regional Deliveries

۴. Multiplier Effects

۵. Self- Propelling

بطور کلی گسترش صنعت در نواحی روستایی از مشخصه های اصلی اقتصاد روستایی است. فعال کردن بخش صنعت در نواحی روستایی می تواند موجب فعال کردن بخش خدمات و کشاورزی نیز بشود و اقتصاد روستایی را واجد قابلیت های تازه نموده و به شاخص های توسعه پایدار روستایی نزدیکتر نماید.

الزامات برنامه ریزی و مدیریت برای صنعت روستا

صنعتی که در روستا مستقر می شود باید از مهارت های داخلی، مواد خام داخل کشور، منابع مالی و همچنین بازارهای داخلی مدد بگیرد. این امر می تواند در روستا، در صنعت و اقتصاد کشور حرکتی ایجاد کند، همچنین در تولید ناخالص ملی می تواند جایگاه مهم و حساسی نیز داشته باشد.

شاید اقدام عملی برای توسعه صنعت در روستا ایجاد سازمان های مناسبی که در رشد و تسریع بخشیدن به حرکت استقرار صنعت در روستا مهم است باشد، یعنی ما سازمان های گوناگونی را برای ایجاد سرعت در استقرار صنعت روستا به مدد بگیریم، اما این سازمان ها باید چه کارهایی را انجام دهند؟ شاید کارهایی را که بتوانند انجام دهند خود تعیین کننده نوع آن باشد.

یکی از موضوعات مهم آموزش است برای آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش صنعت و روستا، سازمان های مناسبی از قبل داشته ایم که متأسفانه در این موارد از آنها استفاده مناسب نشده و کمتر سرمایه گذاری شده است. همچنین استفاده از نظام آموزش و پرورش کشور است، برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز از روستاییان، برای تخصص هایی که در بخش صنعت روستا بدان نیاز داریم، خوشبختانه در این زمینه در سال های اخیر حرکت هایی در آموزش و پرورش می بینیم که امیدوار هستیم این حرکت ها گسترده تر و هدف دار شود. موضوع دوم تهیه و تدارک تسهیلات تخصصی است. که صنعت روستا احتیاج دارد. در تهیه طرح و طراحی کارگاه ها و کارخانجات مناسب برای روستاها و مشاوره های تخصصی که در کشور در زمینه آنها کار شود که هنوز در این زمینه فقیر هستیم.

موضوع سوم حمایت مالی است که نه تنها در بخش صنعت بلکه در بقیه بخش های روستایی نیز با مشکلات زیادی روبرو هستیم و هنوز منابع اعتباری بانک کشور یک حمایت مالی مستمر و مستقل برای روستاها انجام

نداده، بلکه حمایت‌های اعتباری بانکی همیشه در اولویت بسیار پایینی مسئله تأمین اعتبارهای روستایی را قرار داده و آن هم تضمین‌هایی که دولت در بازپرداخت آن کرده، آنها را شائق به انجام چنین کارهایی کرده است. به هر حال سوق دادن سرمایه‌ها و منابع اعتباری بانک‌ها به سمت سرمایه‌گذاری در روستاها و جذب سرمایه روستاییان در استقرار این صنعت می‌تواند به‌عنوان یک سازمان مناسب باشد. البته به این نکته هم باید توجه کنیم که بعد از انقلاب به دلیل حجم سرمایه‌گذاری و توسعه‌ای که در بخش اقتصاد روستا به‌خصوص در زمینه کشاورزی انجام شده تحولات خوبی در آنجا مشاهده می‌شود و امیدواریم که آینده آن بهتر از وضع کنونی شود.

موضوع دیگر بازاریابی است. بازاریابی صنعت روستا و تأمین بازاری که بتواند به‌خوبی صنعت روستا را نشان دهد «البته این بخش شاید در مراحل اولیه باشد» همچنان که تولید کشاورزی روستاییان با این مشکل روبروست صنعت روستا نیز با مشکلاتی روبروست. کشور باید نوعی سیاست‌گذاری کند که محصولات صنعتی روستاییان در مقابل محصولات صنایع شهری و واردات مغضوب واقع نشود.

موضوع ششمی که سازمان‌های مناسب در رابطه با ارتقا صنعت روستا لازم است روی آن کار کند کنترل کیفیت و یا زمینه‌سازی برای بالابردن سطح کمی و کیفی صنعت روستایی است. در این زمینه یکی از دلایلی که به صنعت روستا بها داده نمی‌شود شاید سطح نازل کمی و کیفی صنعت در روستاها باشد. موضوع هفتم بحث تکنولوژی مناسب و ارتقا آن است و آن از بحث‌هایی است که برای صنعت در کشور نیز آن را داریم (لاهیجانیان، ۱۳۶۵)

صنعتی که در کشور می‌خواهد پیاده شود چه تکنولوژی و چه برنامه‌هایی باید داشته باشد؟ به هر حال شناخت فن صنعت روستا و تکنولوژی مبانی و روش‌های ارتقا آن در سطح صنایع دستی و صنایع روستایی موجود کاری است که وظیفه سازمان‌های پشتیبانی‌کننده از صنایع روستا است.

تکنولوژی مناسب کدام است؟

منظور از تکنولوژی مناسب این است که تکنولوژی که برای شرایط اجتماعی خاص، براساس نظام ارزش‌های آن جامعه طرح و یا انتخاب می‌گردد، خصوصیات این تکنولوژی مناسب در بخش روستایی کشورهای

پیرامون که خودشان را از قید و بند وابستگی رها نموده‌اند علاوه بر جنبه‌های مطلوب اقتصادی، مطلوبیت اجتماعی را نیز به همراه دارد. این تکنولوژی در مقابل تکنولوژی نامناسب دارای خصایص زیر است:

۱- هزینه تأسیسات آن پایین است و به آسانی قابل وصول می‌باشد یعنی یک سری از تکنولوژی‌هایی که به‌عنوان تکنولوژی نامناسب به‌دست آورد نشان برای روستاییان مشکل است تکنولوژی مناسب به لحاظ هزینه پایین باید قابل وصول باشد.

۲- از لحاظ سرمایه‌گذاری توزیعی است یعنی اینکه تمرکز در دست یک نفر ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند به وسیله اشتراک کلیه افراد روستایی یا دست‌اندرکاران تولید ویژه تأمین شود.

۳- دامنه کم، قابل کنترل، بادوام، قابل اطمینان، ساده و پیشرفته است.

۴- از لحاظ تصمیم‌گیری نامتمرکز و از جهت تولید تحت کنترل به‌کارگیرنده تکنولوژی باشد این مسئله خیلی مهم است یعنی کسی که می‌خواهد تکنولوژی را به‌کار گیرد کنترل آنها هم باید در اختیارش باشد.

۵- شامل نوآوری محلی می‌شود یعنی به‌کارگیرنده‌های تکنولوژی باید بتوانند در آن تکنولوژی خاص دخل و تصرف و ایجاد نوآوری کنند نه اینکه تکنولوژی از همان ابتدایی که داده می‌شود در قراردادش نوشته شود که هیچ‌گونه حق تغییر و تحول در اجزا آن به وسیله افراد یا مؤسسه یا کشوری که از آن استفاده می‌کند جایز نیست. توسعه و انتشار باید از پایین به بالا و در رابطه با احتیاجات اساسی مردم آن منطقه باشد.

۶- کاربر بوده و ایجاد شغل می‌کند. بدون شکل هر تکنولوژی که کاربر باشد ایجاد شغل بیشتر می‌کند.

۷- فاقد پیچیدگی است و از تقسیم کار پایینی برخوردار است. بدون شک هرچه تقسیم کار بیشتر باشد، میزان استثمار افرادی که در آن قسمت هستند بیشتر خواهد بود.

۸- تولید براساس نیاز محلی است.

۹- دارای مصرف ذخیره داخلی است یعنی ضمن اینکه منابع را مصرف می‌کند که آن را در یک منطقه بطور یک‌طرفه از بین نمی‌برد مثلاً یک کارخانه چوب باید طوری تولید کند که در کوتاه‌مدت و درازمدت جنگل‌های آن منطقه را از بین نبرد. (لهسایی زاده ۱۳۶۵).

چرا برنامه‌ریزی و مدیریت بر صنایع دستی و روستایی از اهمیت و حساسیت بیشتر برخوردار است؟

صنایع دستی که ریشه در اعماق و تاریخ و سنن فرهنگی جامعه ما دارد به دلیل بار اقتصادی، فرهنگی و تاریخی و هنری خود از نقش و مقام والایی در فعالیتهای اقتصادی مملکت برخوردار است. چون صنایع دستی در اقتصاد کشور (بعد از نفت) مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند می‌بایست در برنامه‌ریزی‌ها دقیقاً مورد توجه قرار گیرد. صنایع دستی از ابعاد زیر دارای اهمیت و حساسیت است.

۱- اشتغال‌زایی: تعداد قابل توجه شاغلین رشته‌های گوناگون صنایع دستی و سنتی چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی از مهم‌ترین عوامل مؤثر توسعه اقتصادی به حساب می‌آید. اشتغال‌زایی صنایع دستی در جهت پیشگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

۲- ارزش افزوده صنایع دستی: تولیدات صنایع دستی در ابعاد مختلف و بخصوص صادرات کشور از ویژگی خاص در زمینه‌های اقتصادی، ارزآفرینی و تولید درآمد ملی برخوردار است، ارزش افزوده این‌گونه تولیدات موجب توصیه اکید در زمینه توسعه و گسترش آن می‌شود.

۳- عدم وابستگی صنایع دستی: عموماً صنایع دستی به مواد اولیه خارجی احتیاجی ندارد و متکی به تولیدات داخلی است و تنها در مواردی نادر به میزان ناچیزی به مواد اولیه خارجی وابسته می‌شود. علی‌هذا در مجموع توسعه و گسترش صنایع دستی را می‌توان گام مفیدی در خودکفایی نسبی کشور به حساب آورد.

۴- مظاهر فرهنگی صنایع دستی: اصالت‌های فرهنگی و هنری صنایع دستی مبین ارزش‌ها و هویت سنتی جامعه است، اشاعه این‌گونه صنایع دستی در گسترش و تعمیم فرهنگی جامعه بسیار بااهمیت می‌باشد.

رهیافت‌ها و اتخاذ سیاست‌های لازم برای توسعه اقتصادی روستاها با تکیه بر صنایع روستایی

بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی اجتماعی روستاییان نشان می‌دهد که اتخاذ روش‌های گذشته نه تنها روستاییان را به سمت شهرها کشانده است بلکه با تغییر الگوی مصرف در حد استاندارد کشورهای صنعتی و عدم تطابق آن با میزان تولیدات کشور در کنار سایر مسائل موجب افزایش وابستگی به ویژه در مواد غذایی حاصل از محصولات کشاورزی که می‌بایست در روستاها به عمل آید شده است.

نکات فوق‌الذکر نمایانگر ضرورت تغییر در سیاست‌های قبلی و اتخاذ سیاست‌های جدیدی در روستای هدف‌ها و جهت‌گیری کلی توسعه اقتصادی اجتماعی می‌باشد.

سیاست‌های فوق‌الذکر و مسائلی که کشور ما با آن مواجه شد کم و بیش در اکثر کشورهای در حال توسعه به وقوع پیوست و از آنجا که تئوری رشد صنعتی شتابان و هدف قراردادن رشد اقتصادی موجب توسعه واقعی اقتصادی این کشورها نشد، تئوری‌سین‌های مسائل توسعه در دهه ۱۹۷۰ افزایش میزان اشتغال و توزیع عادلانه درآمدها را محور برنامه‌های خود قرار دادند که این محور الزاماً با توجه به میزان جمعیت روستاها در کشورهای جهان سوم نیاز به اولویت دادن به بخش کشاورزی در مقابل تئوری صنعتی شدن شتابان داشت.

از جمله اهداف توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی استقلال اقتصادی است که در این رابطه کالاهای اساسی مصرفی مورد نیاز مردم بایستی عمدتاً در داخل کشور تولید شود زیرا در غیر این صورت با قطع ورود این کالاها و ایجاد کمبود حاد در موارد اساسی مورد نیاز مردم کشور متزلزل می‌گردد.

در این مسیر کشاورزی به عنوان محور توسعه در نظر گرفته شده و طبیعتاً سایر بخش‌های اقتصادی نیز بایستی در جهت تقویت این بخش تلاش نمایند. در این ارتباط افزایش درآمد کشاورزان نسبت به درآمدهای مربوط به اشتغال در شهرها و اشتغال کامل آنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

راه صحیح افزایش درآمدهای کشاورزی اتخاذ سیاست‌های مناسب مربوط به نظام قیمت‌ها در بخش کشاورزی، بردن عناصر مثبت زندگی شهری به روستاها، ایجاد امکانات زیربنایی تسهیلات مربوط به نهادهای

کشاورزی، سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش کشاورزی تغییر شرایط داد و ستد بین جمعیت‌های روستایی و شهری به نفع روستاییان و کلیه سیاست‌هایی که باعث می‌گردد بطور مستقیم درآمدهای کشاورزان را بالا ببرد می‌باشد.

از جمله راه‌های دیگر جهت افزایش درآمد کشاورزان، اشتغال کامل آنان و اشتغال روستاییان مازاد بخش کشاورزی در روستاها از طریق بکارگیری فعالیت‌های مربوط به بخش صنعتی می‌باشد. بخش صنعتی با سمت‌گیری حمایت، تقویت و پشتیبانی واقعی از تولیدات کشاورزی و دامی می‌تواند عامل مهمی در جهت ایجاد اشتغال برای جمعیت روبه رشد روستاها به صورت فعلی یا دائمی، ایجاد زمینه رشد خلاقیت‌ها و تأمین و تولید بخشی از کالاها و تولیدات مورد نیاز کشور تلقی شود. (نصیرزاده، ۱۳۶۵) در زمینه جهت‌گیری و سیاست‌های مربوط به احداث صنایع در روستاها نکات زیر بایستی در نظر گرفته شود:

۱- حفظ محوربودن فعالیت‌های کشاورزی بطوری که با شروع فعالیت‌های صنعتی در مناطق روستایی با توجه به درآمدهای حاصله از بخش صنعت اولویت فعالیت‌های کشاورزی چه از سمت سرمایه‌گذاران و چه از سمت روستاییان حفظ شود.

۲- ایجاد انگیزه فعالیت صنعتی براساس برنامه‌های آموزشی و ارائه تسهیلات به‌جای تزریق صنایع به مناطق روستایی.

۳- استفاده از صنایع مناسب روستا با توجه برتری‌های نسبی در مناطق روستایی از بعد نزدیکی به محل، عرضه مواد اولیه و یا نزدیکی به بازار مصرف بطوری که انجام فعالیت‌های صنعتی لطمه‌ای به بافت منطقه بخصوص از نظر کشاورزی نزند.

۴- بالا بردن ظرفیت‌های مدیریتی بطوری که ماشین اداری بتواند به صورت کار، یا زمینه فرهنگی قوی از طریق ارائه آموزش‌های لازم فعالیت نمایند.

۵- آموزش هنر مدیریت به روستاییان، بطوری که آنها بتوانند به راحتی یا مسائل اقتصادی فعالیت‌های خود برخوردار نمایند.

۶- دادن آموزش‌های فنی به روستاییان با در نظر گرفتن این محدوده که ابزارهایی که در مورد آنها به روستاییان آموزش داده می‌شود بتواند به آسانی توسط روستاییان پس از دوره آموزش تهیه و به کار گرفته شود.

۷- ایجاد تشکیلات مناسب دولتی جهت هدایت فعالیتهای صنعتی در روستاها و کم کردن تعدد مراکز تصمیم‌گیری و دوری از کاغذ بازی

۸- بالابردن روحیه فعالیتهای مشترک تعاونی در میان روستاییان با توجه به کمبود انباشت سرمایه در روستاها و ارائه تسهیلات مالی لازم از طریق سیستم بانکی

۹- ایجاد صنایعی که الگوی مصرف روستا را متناسب با ارزشهای فرهنگی حاکم هماهنگ نموده و بار ارزی جدیدی بر مجموعه فعالیتهای اقتصادی کشور تحمیل ننماید.

۱۰- تأکید بر تولید به وسیله توده‌ها به جای تولید انبوه و ارائه مکانیزم‌هایی که برنامه‌های تولید به وسیله توده را اقتصادی گرداند.

۱۱- تنظیم سیاست‌های حمایتی لازم جهت صنایع نوزاد روستایی، بطوری که تولیدات این صنایع بتواند با محصولات سایر واحدها رقابت نمایند.

۷- ایجاد امکانات زیربنایی لازم به منظور گسترش فعالیتهای صنعتی در روستاها

۸- تأکید بر گسترش فعالیتهای مربوط به صنایع کوچک (منبع قبلی ص ۹۳ و ۹۴).

۹- در زمینه تکنولوژی مورد استفاده در صنایع روستایی بایستی ملاحظات زیر به عمل آید:

الف- تکنولوژی صنایع احداثی در روستاها باید با سنت و فرهنگ مناطق روستایی سازگار باشد.

ب- تکنولوژی مورد استفاده در سطحی باشد که در روستاها قابل بهره‌برداری بوده و به بالا بردن دانش فنی روستاییان کمک کند.

ج- ماشین‌آلات و قطعات مورد نیاز صنایع روستایی حتی‌الامکان در داخل کشور تولید شود.

د- حتی‌المقدور سرویس و نگهداری و تغییر آنها در محل امکان‌پذیر باشد.

۱۰- هماهنگی برنامه‌های مربوط به صنایع روستایی با برنامه‌های کلی صنعتی کشور

۱۱- در نظر گرفتن تفاوت‌های جغرافیایی و اقلیمی بین روستاهای مختلف و عدم ارائه راه‌حل‌های یکسان برای نقاط گوناگون.

نقش و جایگاه بخش کشاورزی در توسعه صنایع روستایی

کشاورزی و صنایع روستایی

ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی کشور و طرح آن به عنوان یک جریان تولیدی به صورت وسیع و همه جانبه به عنوان مکمل و پشتیبان کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و همچنین یک جانشین نیرومند برای جذب نیروی کار مازاد بر فعالیت های بخش کشاورزی در مناطق روستایی، یکی از اهداف اصلی ایجاد صنعت روستایی می باشد. اینگونه نگرش به نقش توسعه صنعت در روستاها به خاطر تاثیر عمیقی است که این بخش می تواند در ساخت اجتماعی و اقتصادی روستاها بگذارد.

صنایع روستایی می باید با کشاورزی (اعم از زراعت، باغداری، دامداری و غیره) سازگار بوده و زمینه توسعه آن را فراهم آورد، به طوری که افزایش بهره وری، تولید، مهارت و اشتغال در بخش کشاورزی را به همراه داشته باشد. با توجه به اهمیت نقش بخش کشاورزی در توسعه صنایع روستایی برخی از محققان معتقدند که توسعه صنایع روستایی در ارتباط با توسعه کشاورزی بوده و تاثیرات متقابل چهار عامل، اقلیم، سرمایه و تکنولوژی، نیروی انسانی (کمیت و کیفیت انسان ها) و سرانجام «برنامه ریزی، سیاست گذاری، مدیریت» می باشد (خاتون آبادی، ۱۳۷۶: ۴۳۶).

راههای افزایش بهره وری در بخش کشاورزی را در چند مورد می توان خلاصه کرد:

۱. تکمیل زنجیره در بخش کشاورزی و در درون مناطق روستایی؛
۲. ارائه خدمات قبل و حین تولید در بخش کشاورزی از طریق استقرار و توسعه روستایی در روستاها؛
۳. استقرار صنایع روستایی برای انتقال ارزش افزوده در بخش کشاورزی از طریق صنایع نگهداری (سردخانه ها، سیلوها)؛
۴. استقرار صنایع روستایی راهی به سوی اشاعه فرهنگ فن گرایی در روستاها (امیرانی، ۱۳۷۸: ۴۵).

از فواید دیگر صنایع روستایی در ارتباط با کشاورزی می توان به کاهش هزینه حمل و نقل، حذف واسطه ها، استفاده از ضایعات، تقسیم درآمد بین کشاورزان به جای تقسیم آن بین شهر روستا و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی پس از فرآوری اشاره کرد.

از نقطه نظر درآمد اشتغال به فعالیت های غیر کشاورزی در رشد و رونق اقتصاد روستایی حائز اهمیت است، مثلا در آسیا، درآمد حاصل از فعالیت های غیر کشاورزی، از حدود ۲۱ درصد در کشور بنگلادش و فیلیپین تا ۴۰ درصد در تایلند تفاوت می کرد. از این رو گسترش فعالیت های غیر کشاورزی روستایی سهم عمده ای در افزایش درآمد های روستایی داشته است (ذوقدار مقدم، ۱۳۶۹: ۳۶-۳۵).

در مورد چگونگی اشتغال زایی این صنایع باید اشاره کرد که غالبا صناعی که در ارتباط با مسائل اجتماعی، جغرافیایی، محصولات کشاورزی و دامداری روستا هستند اشتغال بیشتری ایجاد می کنند. به نظر می رسد با وجود صنایع کاربر و صناعی که به تولیدات زنجیره وار روستا پیوسته است و با دیگر مسائل محل استقرار صنعت روستایی ارتباط دارد، استقرار صنایع دیگر که فاقد چنین خصوصیتی است، غیر اقتصادی به نظر می رسد.

کشاورزی قادر است نقش مهمی در فرایند گذار بسوی صنعتی شدن ایفا نماید زیرا:

۱. کشاورزی بازار تولیدات صنعتی را مهیا می نماید؛
۲. کشاورزی غذا و مواد خام اولیه را برای صنایع تبدیلی تدارک می بیند؛
۳. کشاورزی به بخش غیر کشاورزی سرمایه و نیروی کار عرضه می کند؛
۴. در اقتصاد متکی به بازار - کشاورزی فرایند صنعتی شدن را از طریق تراکم تدریجی^۱ سرمایه گذاری و بازاریابی تسهیل می کند.

۱ . Gradual Accumulation

در مجموع کشاورزی، صنعتی شدن را با تهیه منابع کار- سرمایه و مواد خام اولیه مورد حمایت قرار داده و ایجاد تقاضا برای تولیدات صنعتی می نماید. در همان حال ارتباط بین کشاورزی و صنعت مکمل گونه است (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

بطور کلی مطالعات اقتصادی در سطح جهانی نشان می دهد که همواره ارتباط متقابل و ارگانیک بین بخش صنعت و کشاورزی وجود داشته است. همچنین تضادی بین رشد همزمان بین این دو بخش وجود نداشته، بلکه آنها می توانند در جریان توسعه اقتصادی به رشد یکدیگر کمک کنند؛ زیرا از یک طرف بخش کشاورزی تامین کننده مواد اولیه و واسطه ای بخش صنعت بویژه گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی است و از سوی دیگر، توسعه بخش صنعت و افزایش سطح درآمد، تقاضا برای محصولات کشاورزی را افزایش خواهد داد، به گونه ای که توسعه صنعتی سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، مدرنیزه کردن و رشد فرصت های شغلی جدید و پایدار در مناطق روستایی را به همراه دارد. بخش صنعت با تامین مواد اولیه و کالاهای سرمایه ای و ماشین آلات بخش کشاورزی و اثرات جانبی آن، این روابط متقابل را روشن تر می کند، ضمن آنکه تکمیل زنجیره بین این دو بخش مهم اقتصادی و تقویت روابط متقابی را روشنتر می کند، ضمن آنکه تکمیل زنجیره بین این دو بخش اقتصادی و تقویت روابط متقابل بین این دو در گسترش فرصت های جدید مطابق با نیاز اقتصاد جهانی و داخلی نیز موثر خواهد بود.

صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی

صنایع تبدیلی و تکمیلی به صنایعی اطلاق می گردد که به فرآوری و عمل آوری مواد نباتی و حیوانی (زرعی، باغی، شیلاتی، دام و طیور، جنگل و مرتع) می پردازد، فرآوری دربرگیرنده تغییرات فیزیکی، شیمیایی، نگهداری، بسته بندی و توزیع است.

توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی با توجه به نقش مهم آن در جلوگیری از ضایعات، ایجاد ارزش افزوده، افزایش اشتغال، عرضه بهداشتی مواد غذایی، افزایش اشتغال، افزایش درآمد ناخالص کشاورزان،

افزایش ماندگاری محصولات کشاورزی و توسعه صادرات امری بسیار ضروری و مهم و به تعبیری تکمیل کننده سیستم تولید به شمار می آید.

صنایع غذایی در دنیای حاضر نه تنها اقتصاد کشورها را تحت تاثیر قرار می دهد بلکه سرنوشت سیاسی کشور های متعددی را نیز دستخوش دگرگونی می کند. کشور ما به دلیل تنوع آب و هوایی، شرایط مساعد اقلیمی، وجود نیروی کار ارزان، وسعت جغرافیایی و موهبت های خدادادی دیگر، زمینه بسیار مناسبی را برای تولید و عرضه انواع فراورده های کشاورزی و صنایع تبدیلی در تمام فصول دارد.

از سوی دیگر نتایج مطالعات گوناگون نشان می دهد که بین درآمدهای غیر کشاورزی در مناطق روستایی و سطح توسعه یافتگی آنها ارتباط مستقیم وجود دارد. ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی به ویژه صنایع غذایی در مراکز تولید کشاورزی، ضمن رشد بهره وری در بخش کشاورزی باعث ایجاد ارزش افزوده و در نهایت افزایش درآمد کشاورزان در مناطق روستایی می شود. پیامد این وضعیت، جلوگیری از مهاجرات روستاییان به شهرها، کاهش نرخ بیکاری و افزایش نرخ بازدهی عوامل تولید است. این وضعیت سبب این شده تا کشاورزان به سمت برنامه ریزی در تولید محصولات مورد نیاز این صنایع تمایل پیدا کنند و در دستیابی به سود بیشتر و حضور در بازارهای جهانی عرضه کالا، با استفاده از روش ها و فناوری های جدید، کمیت. کیفیت محصولات تولیدی خود را افزایش دهند. این فرایند در نهایت به اصلاح ساختار سنتی بخش کشاورزی و مدرنیزاسیون آن کمک کرده است.

از دیگر کارکرد های مهم صنایع غذایی در اقتصاد ایران - که با سطح بالای بیکاری روبه رو است - ایجاد فرصت های شغلی جدید و جذب نیروی کار مازاد بخش کشاورزی است. این صنایع به دلیل کاربر بودن، اشتغال بیشتری را در مقایسه با سایر صنایع ایجاد می کنند و از سوی دیگر به علت یادگیری آسان مهارت های شغلی مورد نیاز، جذب نیرو های غیرماهر به راحتی صورت می گیرد (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۴: ۲۵).

توجه به مطالب فوق و تجربیات برخی از کشورها حاکی از ارتباط تنگاتنگ و گسست ناپذیر بخش کشاورزی و صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی است. بر این اساس، اعتقاد بسیاری از صاحب نظران و

کارشناسان ذی ربط بر این است که سیاست گذاری و برنامه ریزی صنایع تبدیلی و تکمیلی نمی تواند جدا از سیاستگذاری و برنامه ریزی بخش کشاورزی باشد. درجدول ذیل اطلاعات و آمار مربوط به صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۰ جهت مشخص شدن اهمیت این صنعت در توسعه روستایی آماه است.

اطلاعات و آمار مربوط به صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی درایران(۱۳۸۰) ارقام به درصد

صنایع متغیر	تعداد کارگاه	تعداد شاغلان	ارزش افزوده	ارزش تولیدات	ارزش سرمایه گذاری	مزد و حقوق
صنایع مواد غذایی، نوشیدنیها و دخانیات	۱۷/۴۴	۱۵/۰۱	۹/۶۹	۱۲/۵	۱۲/۲	۱۳/۱۵
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱۶/۶	۱۶/۶۵	۵/۴۹	۶/۲۲	۷/۷۶	۱۲/۲۷
صنایع چوب و محصولات چوبی	۱/۱۸	۰/۹۷	۰/۴	۰/۴	۰/۲۷	۱/۷۷
کاغذ و چاپ	۳/۲۶	۱/۰۸	۱/۶۸	۱/۸	۳/۲۸	۲/۶۲
سهم کل صنایع کارخانه ای وابسته به کشاورزی به کل صنایع کارخانه ای	۳۸/۴۸	۳۳/۷۱	۱۷/۲۶	۲۰/۹۲	۲۳/۴۳	۲۸/۸۵

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰

کشورهای توسعه یافته همواره سیاست اقتصادی خود را بر مبنای تلفیق کشاورزی و صنعت استوار کرده اند. میزان تحقق پذیری پیوند زراعی - صنعتی در سطح ملی در حد قابل توجهی به رشد متوازن کشاورزی و صنعت، همبستگی متقابل آنها و همچنین ارضای کامل و متقابل نیازهای یکی به توسط دیگری مربوط می شود.

صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی جایگاه ویژه در اقتصاد ملی دارند که به اهم آنها در ذیل اشاره می شود.

- ❖ کمک به دستیابی به امنیت غذایی؛
- ❖ کمک به کاهش ضایعات محصولات کشاورزی؛
- ❖ افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی؛
- ❖ افزایش بهره وری بخش کشاورزی؛
- ❖ استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود؛
- ❖ کمک به توسعه پایدار بخش کشاورزی؛
- ❖ ایجاد اشتغال پایدار؛
- ❖ کمک به افزایش صادرات غیر نفتی؛
- ❖ تسهیل در دسترسی به توسعه پایدار روستاها؛
- ❖ بالا بودن سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی؛

بطور کلی توسعه صنایع روستایی اعم از صنایع تکمیلی و تبدیلی کشاورزی و سایر صنایع کوچک و خانگی سهم قابل توجهی در توسعه روستایی چه در کشور ما و چه در سایر کشور های در حال توسعه داشته است. بطوری که در بند(ه) ماده ۱۸ قانون برنامه چهارم توسعه کشور به «حمایت از گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی به نحوی که درصد محصولات فرآوری شده حداقل به میزان دو برابر وضع موجود افزایش یافته و موجبات کاهش ضایعات به میزان پنجاه درصد (۵۰٪) فراهم گردد» (قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ۱۳۸۸-۱۳۸۴) تاکید گردیده است.

تداوم روند متعادل صنایع روستایی مستلزم ایجاد استقلال در منابع سرمایه گذاری در بخش صنایع کشاورزی است. در این فرایند لازم است راههای موثر جلب مشارکت مردم شناسایی و سرمایه گذارتی پراکنده آنان را به سمت استفاده در روند صنعتی کردن کشاورزی و صنایع کوچک هدایت نمود در این راستا توسعه توسعه صنعتی زمانی با موفقیت همراه خواهد بود که تمرکز جای خود را به عدم تمرکز بسپارد و از این طریق زمینه بروز خلاقیت و ابتکار محلی و بومی در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی فراهم آید.

نواحی صنعتی^۱

یک ناحیه صنعتی روستایی، بخشی از یک محیط اجتماعی و اقتصادی روستا محسوب می شود که در درجه اول منطقه ای را فرا می گیرد که نیروی کار از آنجا تأمین می گردد و سپس مناطقی که مواد اولیه، نیرو و خدمات صنعتی از آنها تأمین می شود و در بین روستاهای اطراف نقش مرکزیت دارند. این ناحیه، بخشی از فضای منطقه ای است که از صنایع کوچک و متوسط تشکیل شده و دارای امکانات خدماتی، تسهیلاتی، تأسیساتی و زیربنایی معین می باشد (دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۶۵).

یا به عبارتی دیگر، ناحیه صنعتی روستایی مکانی است که پس از انجام مطالعات مکانیابی در چارچوب طرح های توسعه و عمران و تأمین امکانات زیربنایی بر اساس استعداد های مناطق و با رعایت ضوابط زیست محیطی به منظور استقرار صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی که برای توسعه بخش کشاورزی و نیز توسعه روستاهای منطقه ضروری می باشد.

اهداف ناحیه صنعتی روستایی عبارتند از (پاک نژاد، ۱۳۸۴: ۱۳)

۱. کمک به توسعه اقتصادی، اجتماعی مناطق روستایی و توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته کشور
۲. کمک به ایجاد و توسعه صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی در روستاها

۱ . Industrial Estate

۳. با بودن میزان اشتغال در مناطق روستایی و جلوگیری از مهاجرت های بی رویه روستاییان به شهرها؛
۴. کاهش گردش کار اداری و اخذ استعلامات از ادارات مختلف؛
۵. کاهش هزینه های ثابت سرمایه گذاری از طریق تامین بخشی از امکانات زیر بنایی مورد نیاز کارگاه ها؛
۶. تقویت ارتباط بین واحد های تولیدی مستقر در ناحیه و مبادله اطلاعات فنی و مشاوره ای بین آنها؛
۷. دسترسی آسان به امکانات زیر بنایی از قبیل آب و برق و جاده؛
۸. جلوگیری از آلودگی های زیست محیطی؛
۹. جلوگیری از تخریب بی رویه زمین های منابع ملی و بویژه زمین های کشاورزی؛
۱۰. کوتاه شدن زمان احداث تا بهره برداری واحد های تولیدی؛

ویژگی های ناحیه صنعتی روستایی

در هر ناحیه صنعتی، امکانات زیر بنایی برای استقرار صنایع مختلف آماده می شود که عبارتند از: آب لوله کشی، شبکه برق رسانی و خیابان های دسترسی که در تمام نواحی صنعتی تامین می شود و امکانات دیگر از قبیل تلفن، گاز شهری، شبکه جمع آوری و تصفیه فاضلاب که در مراحل بعدی به تدریج و بنا به نیاز کارگاه ها تامین خواهد شد.

همچنین مکان های خدماتی مانند رستوران، باسکول، بانک، مرکز بهداشتی، زمین های ورزشی، ساختمان اداری و نظایر اینها که در نواحی صنعتی با توجه به مساحت ناحیه و افراد شاغل در آن امکان تامین آن وجود دارد.

ناحیه صنعتی از نظر مکان استقرار بایستی ویژگی های زیر را داشته باشد:

۱. قرار گرفتن در موقعیت بهینه ارتباطی بخش؛
۲. قرار گرفتن در مسیر شبکه های ارتباطی (راه زمینی، شبکه ریلی، آبی)؛
۳. قرار گرفتن در مراکز جمعیتی و پوشش جمعیتی بیشتر؛

۴. وجود منابع آب در مجاورت یا نزدیکی ناحیه؛

۵. وجود شبکه فشار متوسط در مجاورت یا نزدیکی ناحیه؛

۶. وجود مواد اولیه کشاورزی، دامی، صیادی و معدنی در منطقه؛

۷. وجود سرمایه گذاری و نیروی بیکار در منطقه،

از ابتدای سال ۱۳۶۶ تا پایان سال ۱۳۸۴ تعداد کل نواحی صنعتی روستایی به ۲۰۹ ناحیه رسید که از این تعداد ۱۵۸ ناحیه به بهره برداری رسیدند.

در برنامه ریزی ایجاد نواحی صنعتی روستایی سعی شده است تا از متمرکز ساختن آنها در مناطق محدود پرهیز شود و نواحی صنعتی با توجه به استعدادهای مناطق مختلف کشور گسترده گردد، با توجه به جزء ۳ بند ۱ راهکارهای اجرایی بخش توسعه و عمران روستایی قانون برنامه سوم وزارت جهاد کشاورزی موظف به ساماندهی و تجهیز نواحی صنعتی موجود و ایجاد نواحی صنعتی جدید بر اساس طرح های سنجیده و مصوب قانونی گردید (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۶).

بمنظور ایجاد انگیزه بیشتر در متقاضیان سرمایه گذاری در نواحی صنعتی روستایی، رفع ابهامات و مشکلات موجود، تسریع در مراحل تهیه و واگذاری اراضی نواحی صنعتی، قانونمند کردن نحوه مشارکت سرمایه گذاران در تامین بخشی از امکانات زیر بنایی نواحی صنعتی، تعیین تکلیف مدیریت نگهداری ناحیه صنعتی پس از به بهره برداری رسیدن و برخورداری بیشتر نواحی صنعتی روستایی نیازمند حمایت های قانونی بیشتر دولت جهت رفع مشکلات موجود می باشد.

دستگاه‌های متولی صنایع روستایی

دستگاه‌های متولی صنایع روستایی

راه اندازی و گسترش صنایع روستایی با توجه به نقش مؤثری که در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌توانند ایفا کنند یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین راه‌حل‌ها برای غلبه بر معضلات مناطق روستایی محسوب می‌شوند.

توسعه فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی، توزیع عادلانه‌تر درآمد - کاهش شکاف درآمدی بین شهر و روستا کاهش فقر، مهاجرت، افزایش صادرات و کاهش واردات، امکان استفاده بهینه از منابع، امکانات موجود و مواد اولیه و همچنین کمک در تسریع روند توسعه کشاورزی از جمله مهم‌ترین پیامدهای مثبت و قابل‌ذکر گسترش صنایع روستایی محسوب می‌شود.

با توجه به ضرورت و اهمیت فوق‌دستگاه‌های مختلفی به طور مستقیم و غیرمستقیم با این بخش از اقتصاد جامعه روستا نیز در ارتباط هستند. این گروه از دستگاه‌های اجرایی را بر حسب نقشی که در قبال صنایع روستایی بر عهده می‌گیرند می‌توان به دو گروه عمده طبقه‌بندی کرد:

گروه اول متولیان صنایع روستایی هستند. این گروه از دستگاه‌های دولتی وظیفه احداث و گسترش صنایع روستایی و حمایت از آن‌ها را بر عهده دارند و وضع‌کننده دستورالعمل‌ها و قوانین اصلی توسعه صنایع روستایی می‌باشند. مهمترین دستگاه‌های اجرایی در این زمینه وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنایع و معادن می‌باشند.

گروه دوم سازمان‌ها و دستگاه‌هایی هستند که تعدیل‌کننده، کنترل‌کننده و تسهیل‌کننده فعالیت‌ها و اثرات و پیامدهای صنایع روستایی می‌باشند. مهمترین دستگاه‌های اجرایی در این زمینه دهیاری‌ها، شهرداری‌ها، سازمان محیط زیست، بانک‌ها، سازمان دامپزشکی، اداره بهداشت، وزارت نیرو، وزارت بازرگانی‌ها و... می‌باشند.

از آنجائیکه متولی اصلی صنایع روستایی در ایران وزارت جهاد کشاورزی و تاحدودی وزارت صنایع و معادن (سازمان صنایع کوچک) می‌باشند در زیر وظایف و حیطه فعالیت‌های این دو وزارتخانه تشریح می‌شود (دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

وزارت جهاد کشاورزی

وزارت جهاد کشاورزی متولی اصلی صنایع روستایی در گروه‌های سه گانه آن می‌باشد. این وزارتخانه در هر سه گروه صنایع کوچک روستایی، صنایع کارگاهی و صنایع دستی فعالیت می‌کند که این فعالیت‌ها در معاونت صنایع و توسعه روستایی متمرکز شده است. وظائف محول شده در ارتباط با صنایع روستایی در این معاونت بر عهده دفاتر صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی است (قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۱).

چنانکه ملاحظه می‌گردد طیف وسیعی از فعالیت‌های عمرانی توسط واحدهای تابعه وزارت جهاد کشاورزی در اقصی نقاط کشور بویژه مناطق روستایی بطور مستقیم برنامه‌ریزی و اجرا شده و یا تحت نظارت و کنترل و حمایت این وزارتخانه قرار دارد. مدیریت روستایی نیز نیازمند تعامل و برقراری ارتباط با واحدهای تابعه جهاد کشاورزی از جمله؛ مراکز خدمات و ترویج کشاورزی دهستان، مدیریت جهاد کشاورزی، ادارات دامپزشکی، امور عشایر، منابع طبیعی، امور اراضی، شیلات و تعاون روستایی در سطوح دهستان، بخش، شهرستان و استان هستند.

طبق ماده ۸ قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، توسعه و حمایت از صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی در چارچوب سیاست‌های صنعتی کشور به عهده وزارت جهاد کشاورزی نهاده شده است.

همچنین در بخش امور زیر بنایی کشاورزی و توسعه روستایی کشور، توسعه و حمایت صنایع کوچک تبدیلی و کشاورزی و صنایع روستایی در چارچوب سیاست‌های صنعتی کشور بر عهده این وزارت گذاشته شده است.

وزارت جهاد کشاورزی متولی اصلی ایجاد و توسعه نواحی صنعتی روستایی می‌باشد، بطوری که معاونت صنایع و توسعه روستایی به عنوان تکمیل کننده خدمات زیربنایی صنایع روستایی اهدافی دارد که اهم آنها به شرح ذیل می‌باشد:

ساماندهی اقتصادی روستاها؛ برنامه ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی؛ ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی؛ ارتقاء تکنولوژی صنایع تبدیلی و تکمیلی روستایی؛ ارتقاء تکنولوژی صنایع تبدیلی و تکمیلی

روستایی نوسازی و بازسازی ماشین آلات فرسوده صنایع تبدیلی و تکمیلی بستر سازی مناسب بعلت افزایش صادرات صنایع تبدیلی و تکمیلی حمایت از ایجاد مراکز اطلاع رسانی در خصوص تولید، فرآوری بازاریابی صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی جلب مشارکت بخش غیر دولتی در سرمایه گذاری صنایع تبدیلی و تکمیلی جلب مشارکت بخش غیر دولتی در سرمایه گذاری صنایع تبدیلی و تکمیلی (قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۱).

باید به این نکته توجه داشت که این فعالیت در آغاز راه بوده و پویایی آن در گرو انجام مطالعات و پژوهشهای مورد نیاز می باشد.

نقش معاونت صنایع و توسعه روستایی به عنوان حلقه تکمیل کننده خدمات زیربنایی اینک بیش از گذشته در ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و بهبود امنیت غذایی، هم اینک بیش از گذشته نمود عینی پیدا کرده است. تشکیلات معاونت شامل یک مدیریت و دو اداره در مرکز استان و یک اداره در شهرستان می باشد:

الف - مدیریت صنایع کشاورزی و روستایی (در برگیرنده دو اداره و سه زیر مجموعه):

- اداره امور صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی

- اداره امور کاهش ضایعات محصولات کشاورزی

- واحد صدور مجوز

- احداث نواحی صنعتی

- خدمات پشتیبانی

ب - اداره توسعه مکانیزاسیون

ت - اداره برنامه ریزی و توسعه روستایی

اهداف معاونت صنایع و توسعه روستایی
توسعه و حمایت از صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی.
فراهم نمودن زمینه های اشتغال و افزایش درآمد روستاییان.

کاهش ضایعات محصولات کشاورزی.

افزایش ضریب مکانیزاسیون کشاورزی.

برنامه ریزی و ایجاد سازوکارهای هماهنگی توسعه و عمران روستاها.

سیاست های و برنامه های معاونت

۱- برنامه ساماندهی اقتصادی روستاها.

۲- برنامه ایجاد فرصت های شغلی در مناطق روستایی.

۳- برنامه ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی.

۴- برنامه ارتقاء تکنولوژی صنایع تبدیلی و تکمیلی روستایی.

۵- برنامه ایجاد و توسعه تشکلهای مکانیزاسیون.

۶- برنامه تامین ماشین آلات و ادوات کشاورزی.

۷- برنامه ارتقاء کیفیت ماشین آلات و ادوات کشاورزی.

۸- نوسازی و بازسازی ماشین آلات فرسوده صنایع تبدیلی و تکمیلی.

۹- بستر سازی مناسب بعلت افزایش صادرات صنایع تبدیلی و تکمیلی.

۱۰- حمایت از ایجاد مراکز اطلاع رسانی در خصوص تولید، فرآوری بازاریابی صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی.

۱۱- جلب مشارکت بخش غیر دولتی در سرمایه گذاری صنایع تبدیلی و تکمیلی.

۱۲- اصلاح ساختار و کاهش تصدیگری و تغییر نقش و فعالیت دولت در امر تامین، تولید و توزیع ماشین آلات کشاورزی به

ایفای نقش هدایتی و نظارتی.

۱۳- توجه به مکانیزاسیون در مراحل تولید محصولات استراتژیک کشاورزی در جهت تولید انبوه مواد غذایی.

۱۴- مدیریت مصرف بهینه انرژی در مکانیزاسیون و فعالیت در جهت دستیابی به الگوی مناسب در مصرف سوخت و سایر منابع انرژی.

۱۵- استاندارد نمودن تولید محصولات صنایع تبدیلی و تکمیلی بر اساس اصول بین المللی.

بنابراین به منظور نیل به اهداف از پیش تعیین شده، سیاست‌هایی بر این نواحی اعمال می‌شود که به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- جلوگیری از تغییر کاربری اراضی توسط متقاضی
- ۲- جلوگیری از خرید و فروش زمین قبل از مرحله بهره‌برداری
- ۳- نظارت بر حسن انجام ساخت ساختمان‌ها و محوطه‌سازی‌ها طبق ضوابط مناطق صنعتی
- ۴- حفظ و حراست از حقوق جهاد و ارگان‌های ذیربط مانند بانک‌ها، محیط زیست و....
- ۵- نظارت بر کیفیت تولید که از حقوق مسلم دولت و ملت می‌باشد.
- ۶- کمک در حل مشکلات بعدی متقاضیان مانند شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، تهیه مواد اولیه و فروش محصولات و...
- ۷- نظارت بر حسن استفاده از اموال و تأسیسات ناحیه و حفظ آن.

وزارت صنایع و معادن

وزارت صنایع نیز به عنوان متولی امر صنایع روستایی نقش مهمی در توسعه، ترویج و حمایت صنایع روستایی دارد.

این وزارتخانه به عنوان مسئول سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه صنعتی کشور و بهره‌برداری از معادن و حمایت از سرمایه‌گذاری صنعتی و معدنی با عنایت به محدودیت ظرفیت اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی و

وابستگی تنگاتنگ توسعه کشاورزی به توسعه صنعتی بالقوه بیشترین تأثیرگذاری را در مناطق روستایی ایفاگر است.

از جمله وظایف وزارت صنایع و معادن در جهت توسعه صنایع روستایی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- تنظیم سیاست‌های لازم جهت توسعه کمی و بهبود کیفی صنایع دستی و روستایی و پیگیری جهت برقراری حمایت‌های لازم از آنها

۲- سازماندهی لازم جهت توسعه و بهبود صنایع کوچک و اعطای کمک‌های لازم برای این منظور

۳- صدور مجوز تأسیس و بهره‌برداری واحدهای تولیدی صنعتی و معدنی با رعایت مقررات زیست محیطی و وظیفه سیاست‌گذاری و تنظیم حمایت‌های لازم از صنایع کوچک (که صنایع کوچک روستایی نیز بخشی از آن محسوب می‌شود) به عهده سازمان صنایع کوچک ایران قرار داده شده است. بنابراین وظیفه صدور مجوز و ارائه کمک‌های لازم در این زمینه به عهده این سازمان می‌باشد (دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

موانع، مشکلات، تنگناهای و راهکارهای توسعه صنایع روستایی

مشکلات و موانع:

نظر به اینکه جاذبه‌های مختلف و مزایای متعدد صنایع روستایی و داشتن عملکرد موفق در فرآیند توسعه روستایی، برای مطرح شدن در جوامع صنعتی به خصوص جوامع صنعتی توسعه یافته هنوز فاصله زیادی دارند. مشکلات متعددی در راه توسعه صنایع روستایی وجود دارد که در زیر به برخی از موارد مهم اشاره می‌شود: به نظرمیسرا مهمترین مشکلات صنایع روستایی عبارتند از:

۱. مدیریت اقتصادی و مهارت‌ها؛ ۲. فناوری؛ ۳. تامین مالی؛ ۴. زیرساخت؛ ۵. مواد خام و بازاریابی؛ ۶. خدمات اطلاعاتی و ترویجی (صاحبی، ۱۳۷۴: ۱۶).

با نگاهی کلی به موانع توسعه صنعتی روستاها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: (خاتون آبادی، ۱۳۷۸: ۱۱۶).
۱. عرضه نهادها:

دشواری‌های عرضه ناکافی عرضه مواد اولیه (دسترسی، کیفیت، قیمت)

عرضه ناکافی انرژی، برای مثال: برق، هیزم و گازوئیل به سبب کمبود یا خرابی
۲. عوامل تولید:

کمبود نیروی کار، به ویژه نیروی کار ماهر و توانایی‌های مدیریتی

کمبود عوامل مالی (سرمایه در گردش یا سرمایه برای سرمایه گذاری

کمبود زمین و مکان مناسب برای استقرار صنایع

۳. تکنولوژی تولید:

تکنولوژی غیرکافی (ابزار، تجهیزات، ماشین آلات، ساختمان)، فقدان تکنولوژی مناسب.

۴. بازاریابی:

کمبود زیرساخت فیزیکی^۱ (جاده، وسایل حمل و نقل و ارتباطات، مراکز فروش)

فقدان یا کمبود اطلاعات بارز

فقدان تبلیغات

فقدان بسته بندی، حمل و نقل، درجه بندی و کنترل کیفیت

کمبود نهادهای بازاریابی، وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر، محدودیت های صادرات و واردات

سیاست های نامطلوب قیمت

۵. تقاضا:

خرید کم

جاذبه بیشتر محصولات وارداتی یا ساخته شده برای مشتری

نقش صنایع روستایی در اشتغال زایی جمعیت روستایی زمانی می تواند موثر واقع شود که مشارکت روستاییان در آن اولویت داشته و متناسب و سازگار با جامعه روستایی باشد. طبق تجارب و بررسی های بعمل آمده ثابت شده است طرح هایی که پتانسیل های مناطق و با توجه به فرهنگ و استعداد روستاییان به متقاضیان واگذار شده است و یا به عبارت دیگر، تمامی جوانب امر در آنها در نظر گرفته شده است و به نحوی از انحاء مورد حمایت قرار گرفته، رشد یافته اند و طرح های موفق از کار در آمده اند (امین، ۱۳۷۰: ۱۷).

ایجاد و توسعه صنایع دستی و یا صنایع کوچک می بایست حتی الامکان بدون دخالت مستقیم دولت صورت گیرد، از آنجا که در جهت توسعه جامعه، خصوصا توسعه روستایی، ایجاد تعاونی های روستایی و حمایت از آنها و سرمایه گذاری برای آنها ضروری به نظر می رسد ایجاد تعاونی اگر تنها راه عملی نباشد عمده ترین وسیله است. تعاونی های تولید و توزیع به عنوان راهنمای عمل و جهت دهنده مدیران روستایی بخصوص دهیاران برای گسترش و تقویت و جهت رفع موانع و مشکلات پیش روی صنایع روستایی می تواند موثر باشد.

نقش دهیاری در ایجاد، حفظ و توسعه صنایع روستایی

همانگونه که ذکر گردید دهیاری به عنوان سازمان تعدیل کننده، کنترل کننده و تسهیل کننده فعالیتها و اثرات صنایع روستایی نقش مهم و موثری می تواند در توسعه این صنعت داشته باشند.

در کشور ما قطب‌های تولید کشاورزی منطبق با مناطق روستایی است و هر نوع فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی بدون هماهنگی با مدیریت‌های محلی نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. در این میان مدیریت نوین روستا (دهیاران) با توجه به شناخت ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مناطق روستایی و با اشراف به شرایط اجتماعی و فرهنگی روستا می‌توانند نقش کلیدی در فرآیند توسعه صنایع روستایی داشته باشند و در قطب‌های تولید کشاورزی دهیاران می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد تعاونی‌ها و تشکل‌ها شده و از طریق جمع‌آوری سرمایه‌های اعضا و اخذ مجوز از وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صنایع با کمک و مساعدت‌های دولتی به صورت منسجم فعالیت نمایند. همچنین دهیاران در جلب مشارکت‌های مردمی در توسعه صنایع روستایی می‌توانند موثر باشند.

• جلب حمایت‌های مالی از سوی نهادها و سازمان‌های مالی

بدیهی است که صنایع روستایی مخصوصاً در شروع کار باید مورد حمایت و هدایت دولت قرار گیرند. سرمایه و سرمایه‌گذاری به‌عنوان عاملی که قادر است زمینه‌های رشد صنایع روستایی را در روستا فراهم کند قابل توجه می‌باشد. این جریان نه تنها به انباشته‌شدن سرمایه مادی کمک می‌کند، بلکه زمینه بکارگیری و فعال کردن عوامل تولیدی در روستا را نیز فراهم می‌کند تا تولید صنعتی افزایش یابد و نیازها رفع شود. یکی از مشکلات عمده در راه رشد صنایع روستایی بخصوص صنایع کوچک، فقدان منابع مالی برای این صنایع در روستا هاست. بنابراین، دسترسی به اعتبار کوتاه مدت و بلند مدت، از عناصر حیاتی توسعه صنایع روستایی است. در این راستا یکی از زطایف مهم دهیار جذب سرمایه‌های دولتی جهت توسعه صنعت روستایی است. دهیاران می‌توانند بمنظور توسعه مناطق روستایی و همچنین کمک به توسعه پایدار کشاورزی، ضمن تشویق صاحبان سرمایه به سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی و تکمیلی در کانون‌ها و قطب‌های عمده تولید محصولات کشاورزی، اینگونه متقاضیان سرمایه‌گذاری را (اعم از بخش‌های خصوصی و تعاونی) برای اخذ جواز تاسیس در

کدهای فعالیتی ایسیک^۱ که بر اساس مصوبه ۱۳۸۳/۷/۲۹ هیات دولت در حوزه وظایف و اختیارات وزارت جهاد کشاورزی قرار دارد، به اداره صنایع و توسعه روستایی مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان یا معاونت صنایع و توسعه روستایی سازمان جهاد کشاورزی استان هدایت کند (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۴: ۲۷).

دهیار می تواند با کسب اعتبارات از طریق سیستم های رسمی و غیر رسمی دستیابی اعتبار اولیه صنعت روستا نقش مهم و هدفمندی ایفا نماید. اعطاء وام از بانک یا موسسات اعتباری یکی از روش های اصلی در ترغیب و حمایت از مدیران و سرمایه گذاران بخش صنعتی می باشد.

● جلب مشارکت مردم در سرمایه گذاری برای ایجاد و توسعه صنایع روستایی

با توجه بند ۸ ماده ۱۰ اساسنامه دهیارها، تشویق و ترغیب روستاییان به توسعه صنایع دستی یکی از وظایف مهم دهیاری به شمار آمده است، لذا در این راستا با توجه به وظیفه ای که قانونگذار بر عهده دهیار نهاده است، در جهت تحقق وظیفه فوق الذکر دهیار به عنوان مدیر روستا نقش تعیین کننده ای در جلب سرمایه های مردم بخصوص متمکنین روستا و حتی سرمایه گذاران شهری خواهد داشت. همانگونه که در پیش گفته شد تداوم روند متعادل صنایع روستایی مستلزم مشارکت مردم می باشد. در این فرایند لازم است راههای موثر جلب مشارکت مردم توسط مدیر روستا شناسایی و سرمایه گذاری های پراکنده آنان را به سمت استفاده در روند صنعتی کردن کشاورزی و صنایع کوچک هدایت نماید دراین راستا توسعه صنعت روستا زمانی با موفقیت همراه خواهد بود که تمرکز جای خود را به عدم تمرکز بسپارد از این طریق زمینه بروز خلاقیت و ابتکار محلی و بومی در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی فراهم آید.

● آگاه نمودن مردم از اهمیت و ویژگی های صنایع روستایی

۱. کد های بین المللی ایسیک (ISIC) برای طبقه بندی استاندارد فعالیت های اقتصادی مولد در نظر گرفته شده است.

افزایش سطح دانش، بینش و آگاهی مردم روستا در خصوص تحول و تنوع اقتصادی می تواند در افزایش کسب درآمد روستاییان نقش اساسی داشته باشد، بهمین جهت در این تحول دهیار نقش راهبردی را بر عهده خواهد داشت.

نظر به اینکه بخش کشاورزی به عنوان بخش غالب اقتصادی روستاها در کشور می باشد و منبع درآمدی و اشتغال روستاییان تا اندازه ای از این بخش تامین می گردد، مردم روستا چندان با بخش صنعت بجز در صنایع کوچک خانگی تمایل چندانی در سرمایه گذاری در این بخش ندارند، لذا دهیار می تواند در آگاه نمودن مردم روستا جهت ایجاد تنوع اقتصادی در روستا و فراهم آوردن زمینه فعالیت های غیر کشاورزی بویژه صنایع روستایی و همچنین اهمیت این صنایع در ایجاد اشتغال و درآمد پایدار روستا تاثیر گذار و تعیین کننده باشد.

• آشنایی و آگاهی دهیاران از آخرین تحولات بازار صنعت

امروزه آشنایی مدیران روستایی بخصوص دهیاران به عنوان مدیر روستا از آخریت تحولات بازار و تحولات صنعت بخصوص صنایع دستی و صنایع کوچک خانگی یکی از عوامل اصلی موفقیت روستا در فعالیت های صنعتی خود می باشد. جهانی شدن بازار، تحولات عظیم اقتصادی و تنش های سریع اقتصادی این نیاز را ایجاد می نماید که دهیاران از آخرین تحولات مربوط به بازار مواد اولیه و تولیدات مطلع باشند تا بتوانند نظام تولید صنعت خود را با تحولات موجود متوازن و هماهنگ نمایند، شاید در ابتدا متصور گردد که توانایی دهیار در جهت ارتباط با بازار بیرونی به نوعی سخت و دشوار یا غیر ممکن باشد ولی تجربه موفق برخی از کشورهای آسیایی بخصوص کشور چین در ارتباط مدیران روستایی این کشور با بازار های داخلی و خارجی موجب توسعه صنایع روستایی آن کشور شده است، بطوری که نقش و تاثیر حیاتی در ادامه حیات صنایع کوچک و موفقیت آنان در صحنه اقتصادی و پایداری روستا های آن کشور داشته است.

● شناسایی پتانسیل های بالقوه روستا در جهت توسعه صنایع روستایی (شناسایی مزیت های نسبی)

در اغلب مواقع شناسایی مزیت های نسبی روستا در توسعه و پیشرفت پایدار آن تاثیر گذار خواهد بود، دهیار با همکاری مردم و شورای روستا می تواند در شناسایی صنایع دستی خانگی روستاییان، شناسایی نیروی انسانی کارآمد، شناسایی محیط طبیعی مناسب جهت مکانیابی صنایع روستایی و همچنین شناسایی بازار مصرف جهت توسعه صنایع روستایی گام بردارد. دهیار می تواند صنعت روستا را به عنوان منبعی بالقوه و مزیتی نسبی برای روستاییان مشخص نماید.

علاوه بر موارد فوق نگرش به صنایع روستایی به عنوان مکمل درآمدهای خانوار روستایی، به عنوان تنظیم کننده، تغییر دهنده، و یک متولی (نه متصدی) به عنوان یک کاتالیزور، تسهیل کننده زمینه خلاقیت و کارآفرینی در روستا با لحاظ مشارکت مردمی سایر وظایف دهیار در ایجاد، حفظ و توسعه صنایع روستایی است. لازم به ذکر است تحقق سایر موارد فوق نیازمند آگاهی و آموزش همه جانبه مدیر روستا (دهیار) است که از سوی سازمانهای مرتبط امور روستایی صورت خواهد پذیرفت.

منابع:

- مهدوی، مسعود، (۱۳۷۷)، مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات سمت.
- خزایی قوژدی، علی، (۱۳۷۶)، «صنایع روستایی، تحولات و توسعه»، فصلنامه روستا و توسعه، سال اول، شماره های ۳ و ۲.
- دربان آستانه، علیرضا، (۱۳۸۳)، «مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی»، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاریهای کشور.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن، (۱۳۸۲)، «برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران»، جهاد دانشگاهی واحد مشهد.
- مهندسان مشاور DHV از هلند؛ (۱۳۷۱)، «رهنمود هایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی»، ترجمه سید ابوطالب فنایی و دیگران، سلسله انتشارات روستا و توسعه، جلد ۱، جهاد سازندگی، شماره ۱۰.
- مهندسان مشاور DHV از هلند؛ (۱۳۷۵)، «رهنمود هایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی»، ترجمه بهنام شاهپوری، علیرضا خرمایی و رشید اصلانی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، جلد ۲، جهاد سازندگی، شماره ۲۳.
- سایث، آشورانی، (۱۳۷۵)، «راهبرد های توسعه و روستاییان فقیر»، سلسله انتشارات روستا و توسعه، جهاد سازندگی، ۱۳۷۵.
- روز بهان، محمود، (۱۳۷۶)، «مبانی توسعه اقتصادی»، انتشارات تابان.
- طاهرخانی، مهدی، (۱۳۷۹)، صنعتی شدن روستا سنک بنای استراتژی آیند توسعه روستا، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت عمران و صنایع روستایی.
- جیروند، عبد الله، (۱۳۷۵)، توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)، انتشارات مولوی.
- اسدی، مرتضی، (۱۳۷۵)، «اقتصاد روستایی»، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- گریفین، کیت، (۱۳۷۵)، «راهبرد های توسعه اقتصادی»، ترجمه حسین راغفر و محمد حسین هاشمی، انتشارات نشرنی.

- مدنی، امیر باقر، (۱۳۶۷)، استراتژی های توسعه اقتصادی: مقایسه روش های توسعه ایران با کره جنوبی، انتشارات آذر.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن، (۱۳۸۴)، جغرافیای اقتصادی ایران (صنایع)، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- وزارت جهاد کشاورزی، دفتر حقوقی، وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۱
- قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، (۱۳۸۱).
- طاهرخانی، مهدی، (۱۳۷۹)، صنعتی شدن روستا سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستا، معاونت عمران و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی.
- ذوقدار مقدم، رضا، (۱۳۶۹)، تجربیات جهانی توسعه روستایی، ماهنامه جهاد، سال دهم، شماره های ۱۲۷ و ۱۳۰ تا ۱۳۳.
- امیرانی، محمد هادی، (۱۳۷۸)، استقرار صنعت در روستا و نقش آن در بهره وری بخش کشاورزی، ماهنامه جهاد، سال هجدهم، شماره های ۲۱۶ و ۲۱۷.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰.
- جهاد کشاورزی، معاونت صنایع و توسعه روستایی، (۱۳۸۴)، صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی امکان یا ضرورت، ماهنامه دهیارها، شماره ۱۵، مرداد ۱۳۸۴.
- وزارت جهاد کشاورزی، معاونت صنایع و توسعه روستایی، (۱۳۸۴)، صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی امکان یا ضرورت، ماهنامه دهیاری ها، شماره ۱۵، مرداد ماه ۱۳۸۴.
- خاتون آبادی، احمد، (۱۳۷۶)، «بررسی سیر تحول فلسفه و استراتژی توسعه کشاورزی در قرن بیستم میلادی و چشم انداز آن در قرن بیست و یک»، مجموعه مقالات نقش صنعت در توسعه کشاورزی، شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان.
- پاک نژاد، حمید، (۱۳۸۶)، نقش نواحی صنعتی روستایی در توسعه روستایی و بخش کشاورزی
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴) مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱

- Shrinivas, Y. Thakur (۱۹۸۵) Rural Industrialization in India: Strategy and Approach, sterling, New dehli.
- Michael, H. & Ochel, W. (۱۹۷۹) «Rural Industrialization, Employment and Economic development» Economic development and Source Transfer, Workshop, p. ۳۱-۴۴.
- Misra, R. P. Achyuta, R. N. (۱۹۹۰) «Micro Level Rural Planning: Principle Methods And Case Study» Concept Publishing Company, New Dehli.
- Samal, Kishore. C. (۱۹۹۷) Rural Non-Farm Activities in Specific Regions of Orissa Journal of Rural development; Vol. ۱۶.۴۳. No. ۳ PP. ۴۶۴-۴۵۷.